

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۸، شماره ۲، پیاپی ۱۲ (پاییز و زمستان ۱۴۰۲) شماره صفحات: ۱۱۵ - ۱۴۸

نگاهی نو به اسم مرکب فعلی در زبان فارسی: رویکردی برون‌اسکلتی

هدی سیاوشی^۱، عباسعلی آهنگر^{۲*}، علی عزیزاده^۳

۱. دکتری زبان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
۲. استاد زبان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
۳. دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران.

چکیده

در زبان فارسی کمتر پژوهشی به تحلیل اسم‌های مرکب فعلی با رویکردی نحوی پرداخته است. هدف پژوهش حاضر ارائه تحلیلی برون‌اسکلتی از ساختار اسم‌های مرکب فعلی براساس مدل برون‌اسکلتی بورر^۱ (۲۰۱۳) است. در این رویکرد، واژه‌ها فاقد هرگونه طبقه واژگانی هستند و طبقه آن‌ها تنها در بافت نحوی مشخص می‌شود. بورر اسم‌های مرکب فعلی را فاقد هرگونه ساختار موضوعی می‌داند. همچنین، از نظر او، اسم‌های مرکب فعلی از نوع نتیجه‌ای و هسته‌پایانی هستند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام و داده‌های آن از منابع مکتوب فارسی معیار گردآوری شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد زبان فارسی، علاوه بر اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌پایانی که با نظرات بورر همسو است، دارای اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌آغازی و اسم‌های مرکب فعلی با ساختار موضوعی نیز است بر این پایه، مطالعه پیش رو بر اساس داده‌های زبان فارسی تقسیم‌بندی‌های جدیدی را بر مبنای قوانین مدل برون‌اسکلتی ارائه می‌کند. در این تقسیم‌بندی، اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای زبان فارسی دارای دو ساختار متفاوت $C_N[V]N$ و $[N-V]V$ هستند. همچنین، اسم‌های مرکب فعلی با ساختار موضوعی، در زبان فارسی به ۲ گروه معلوم و مجهول تقسیم می‌شوند.

واژه‌های کلیدی:

مدل برون‌اسکلتی
اسم مرکب فعلی
اسم مرکب فعلی با
ساختار موضوعی
اسم مرکب فعلی
نتیجه‌ای
بافت نحوی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۲ مردادماه ۱۴۰۲
پذیرش: ۹ آذرماه ۱۴۰۲

* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: ahangar@english.usb.ac.ir

¹ Borer

۱. مقدمه

اسم‌های مرکب فعلی به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در واژگان^۱ و دستور دارند، از اولین روزهای پیدایش دستور زایشی مورد توجه بسیاری از مطالعات زبان‌شناسی نظری قرار داشته‌اند (راپر^۲ و سیگل^۳، ۱۹۷۸، سلکرک^۴، ۱۹۸۲، گریم‌شاو^۵، ۱۹۹۰، آکما^۶ و نیلمن^۷، ۲۰۰۴، هارلی^۸، ۲۰۰۹، بورر^۹، ۲۰۱۳ و...). در واقع، اسم‌های مرکب فعلی از این جهت که واژه‌های جدیدی هستند، باید به عنوان بخشی از ساخت‌واژه در نظر گرفته شوند. از جهت دیگر، از آن‌جا که از فعل مشتق شده‌اند و ممکن است برخی از ویژگی‌های ساخت موضوعی آن را حفظ کرده باشند، می‌توان آن‌ها را بخشی از دستور محسوب کرد. همین موضوع سبب شده است تا پژوهش‌های انجام‌گرفته در مورد اسم‌های مرکب فعلی^۲ رویکرد متفاوتی از این واژه‌ها را دنبال کنند: (الف) رویکرد دستوری که بر ساختار این ترکیب‌ها و ارتباط آن‌ها با اسم فعل‌های ساختار موضوعی تاکید دارند (راپر و سیگل، ۱۹۷۸، گریم‌شاو، ۱۹۹۰، آکما و نیلمن، ۲۰۰۴ و...) و (ب) رویکرد ساخت‌واژی که آن‌ها را همچون ترکیب‌های ریشه‌ای تحلیل می‌کنند (سلکرک، ۱۹۸۲، لیبر^{۱۰}، ۲۰۰۴، بورر، ۲۰۱۳ و...).

بورر (۲۰۱۳) تحلیلی نحوی در ساخت‌واژه ارائه داده است که بر اساس آن همه اسم فعل‌های مرکب همانند ترکیب‌های ریشه‌ای هستند و موضوع آن‌ها (چه بیرونی و چه درونی) باید بر اساس بافت تعیین شود. گفتنی است از زمان چامسکی^{۱۱} (۱۹۷۰) نظریه‌های زبان‌شناسی در حوزه ساخت‌واژه به دو دسته واژگان‌گرا و نحوی تقسیم شده‌اند. در حالی که در گروه نخست (واژگان‌گرا) فرض بر این است که واژگان و مدخل‌های واژگانی به وسیله قوانین واژگانی شکل می‌گیرند، در گروه دوم ساخت‌واژه از قوانین عمومی نحو تبعیت می‌کند (ایرودشیا^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۵). برای مثال، در تحلیل اسم‌های مرکب فعلی، گریم‌شاو (۱۹۹۰) مدلی واژگان‌گرا ارائه می‌دهد که در آن اسم‌های مرکب فعلی از نوع ساختار موضوعی و دارای ساختار رویدادی هستند؛ در حالی که در تحلیل نحوی بورر (۲۰۱۳) هر گونه تاثیر قوانین نحوی در ساختار اسم‌های مرکب فعلی رد شده است.

در پژوهش حاضر مدل برون‌اسکلتی^{۱۳} بورر (۲۰۱۳) به چند دلیل به عنوان چارچوب نظری پژوهش انتخاب شده است که عبارتند از: اول این که مدلی که تمامی فرآیندهای شکل‌گیری واژه در نحو قرار دارد، نسبت به

¹ lexicon

² T. Roeper

³ M.E.A. Siegel

⁴ E. Selkirk

⁵ J. Grimshaw

⁶ P. Ackema

⁷ A. Neeleman

⁸ H. Harley

⁹ H. Borer

¹⁰ R. Lieber

¹¹ N. Chomsky

¹² G. Iordachioaia

¹³ Exoskeletal model

مدل‌هایی که به واژگان برتر وابسته‌اند، از اولویت برخوردار است. دوم، از آن‌جا که همه مقوله‌ها در مدل بورر (۲۰۱۳) نحوی و نقشی هستند و طبقه نحوی یک واژه تنها بر اساس توزیع آن در ساختار نحوی مشخص می‌شود. در این مدل حشوی میان مقوله‌های نقشی و عناصر واژگانی^۱ وجود ندارد.

بی‌شک در زبان فارسی پژوهش‌های بسیاری در مورد ساختمان و ترکیب‌های فعلی انجام شده است؛ اما به نظر می‌رسد کم‌تر پژوهشی به تحلیل ساختار اسم‌های مرکب فعلی با رویکردی برون‌اسکلتی پرداخته باشد. هدف این مطالعه، علاوه بر ارائه توصیفی برون‌اسکلتی از ساختار اسم‌های مرکب فعلی زبان فارسی بر اساس مدل برون‌اسکلتی بورر (۲۰۱۳)، پاسخ به این پرسش است که چه تمایزی بین ساختار ارائه شده برای اسم‌های مرکب فعلی در مدل برون‌اسکلتی بورر (۲۰۱۳) و ساختار اسم‌های مرکب فعلی زبان فارسی وجود دارد؟

پژوهش حاضر به صورت کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. پیکره زبانی مورد استفاده در این پژوهش زبان فارسی معیار است. این مقاله پنج بخش دارد. در بخش دوم، به پژوهش‌هایی اشاره مختصری خواهد شد که توسط زبان‌شناسان غیرایرانی و ایرانی در گذشته پیرامون اسم‌های مرکب فعلی انجام گرفته‌اند. در بخش سوم، چارچوب نظری پژوهش معرفی می‌شود. در بخش چهارم، ابتدا ساختار اسم‌های مرکب فعلی زبان فارسی معرفی می‌گردد. سپس، داده‌های پژوهش بر اساس مدل برون‌اسکلتی بورر (۲۰۱۳) مورد توصیف و ارزیابی قرار می‌گیرد. سرانجام، در بخش پنجم، نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲. پیشینه پژوهش

از آن‌جا که هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های ساخت‌واژی-نحوی مبتنی بر رویکرد برون‌اسکلتی اسم‌های مرکب فعلی زبان فارسی است، این بخش به معرفی اجمالی آن دسته از نظریه‌های مرتبط با ترکیب پرداخته می‌شود که بر ویژگی‌های اسم‌های مرکب فعلی تمرکز داشته‌اند.

۱-۲. پژوهش‌های زبان‌شناسان غیر ایرانی

نظریه ترکیب راپر و سیگل (۱۹۷۸) بر اساس گشتارهای واژگانی است که ترکیب‌های فعلی را از ساختارهای نحوی بر اساس ترتیب خطی چارچوب‌های زیرمقوله‌ای مربوط می‌سازد. برای مثال، ترکیب *oven cleaner* از *clean*[N *oven*] شکل گرفته است. در این نظریه، «نقش اصلی بر عهده هسته واژگانی است که فهرستی از واژه‌های اتمی و واژه‌های پیچیده‌ای است که به وسیله قوانین نقشی-واژگانی ایجاد شده‌اند» (راپر و سیگل، ۱۹۷۸: ۲۰۰). همچنین، راپر و سیگل (۱۹۷۸) میان واژه‌های واقعی^۲ و ممکن^۳ تمایز گذاشته‌اند. از دیدگاه آن‌ها، در حالی که

^۱ lexicals

^۲ Real words

^۳ Possible words

هر دو این واژه‌ها به وسیله قوانین نقشی-واژگانی تولید می‌شوند، تنها واژه‌های واقعی در هسته واژگانی قرار دارند. در واقع، همان‌گونه که جکندوف^۱ (۱۹۷۶) می‌گوید: درون داد قوانین نقشی-واژگانی، مدخل‌های واژگانی هستند که دارای نحو، واج و معنایی مشخص هستند. نکته حائز اهمیت این است که قوانین نقشی-واژگانی فقط بر واژه‌های هسته‌ای اعمال می‌شوند و تنها ترکیب‌های فعلی که معنای ترکیبی دارند، به وسیله قوانین نقشی واژگانی تشکیل می‌شوند. همچنین، از دیدگاه راپر و سیگل (۱۹۷۸: ۲۰۷) «ترکیب‌های فعلی دارای معنای ترکیبی، قابل پیش‌بینی و بسیار زایا هستند» و باید با اصل نخستین خواهر^۲ مطابقت داشته باشند.

گریم‌شاو (۱۹۹۰) اسم‌های مرکب فعلی را اساساً متفاوت از ترکیب‌های ریشه‌ای می‌داند. وی معتقد است هسته اسم مرکب فعلی، اسم ساختار موضوعی است. این بدین معناست که اسم‌های مرکب فعلی ساختار رویدادی را از فعل پایه به ارث می‌برند. با این حال، او بر این باور است که اسم‌های مرکب فعلی ساختاری کاهش یافته، متشکل از دو اسم دارند که تنها می‌توانند یک موضوع را درون ترکیب داشته باشند. گریم‌شاو (۱۹۹۰) این مسئله را این‌گونه تبیین می‌کند که هسته اسم‌های مرکب فعلی، ساختاری رویدادی و کاهش یافته را به ارث می‌برند که در تطابق با پایین‌ترین موضوع گروه فعلی (VP^۳) مفعول مستقیم است. بر همین مبنا و همچنین بر اساس نقش‌های معنایی^۴، گریم‌شاو (۱۹۹۰) استدلال می‌کند که سایر موضوع‌ها به جز موضوع درونی که به عنوان مفعول مستقیم شناخته می‌شود، از اسم‌های مرکب فعلی حذف می‌شوند. این قانون مفعول حرف اضافه‌ای و فاعل را نیز در بر می‌گیرد که موضوع بیرونی است.

هارلی (۲۰۰۹) بر مبنای نظریه صرف توزیعی یا پسانحوی به تحلیل ترکیب می‌پردازد، زایایی آن را به دلیل وجود صورتی نحوی با ساختی ظاهراً ساخت‌واژی می‌داند. صرف توزیعی همزمان انگاره ساخت‌واژی و نحوی دستور را تشکیل می‌دهد. او ترکیب را فرآیندی کاملاً نحوی و نوعی انضمام در ریشه فاقد مقوله قلمداد می‌کند. به این ترتیب، ساختار مقوله‌ای فعل در نحو با ساختار نحوی کلمه‌های مرکب فعلی هم‌ارز به شمار می‌روند. یعنی، واژه‌سازی فرآیندی نحوی است. از دیدگاه او، سه نوع کلمه مرکب فعلی موضوعی^۵، فعلی توصیف‌گر^۶ و غیرفعلی^۷ از نظر معنایی و ریشه‌هایی که منضم می‌شوند و یا عناصری که در جایگاه خواهر اول آن‌ها قرار می‌گیرند، با هم تفاوت دارند. بعضی ریشه‌ها به ویژه آن‌هایی که می‌توانند فعل شوند، ساختار موضوعی دارند و اولین خواهر آن‌ها می‌تواند موضوع فعل را برآورده سازد و اسم مرکب فعلی موضوعی را بسازد. در این ترکیب‌ها، متمم اسمی پیش

^۱ R. S. Jackendoff

^۲ اصل نخستین خواهر «همه ترکیب‌های فعلی به وسیله انضمام یک واژه در جایگاه اولین خواهر فعل شکل می‌گیرند».

^۳ تمامی علائم اختصاری در پیوست (۱) ارائه شده‌اند.

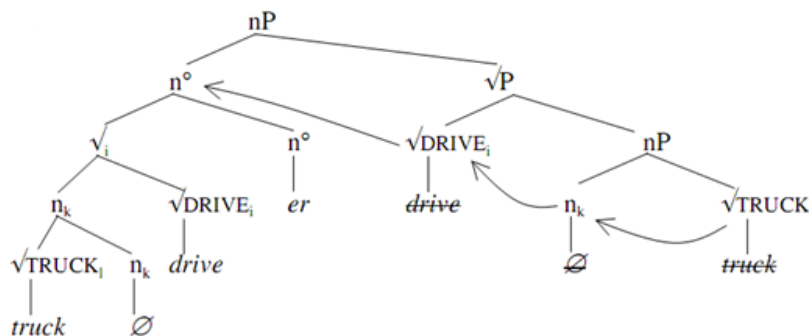
^۴ نقش‌های معنایی: عامل > تجربه‌گر > هدف > مبدا > مکان > موضوع

^۵ Synthetic compound

^۶ Modificational synthetic compound

^۷ Primary compound

از ادغام وند اسم ساز با ریشه فعلی ادغام می شود. نمودار (۱) نشانگر چگونگی شکل گیری اسم مرکب فعلی truckdriver می باشد.



نمودار (۱) نمایش اسم مرکب ترکیبی truck driver از دیدگاه هارلی (۲۰۰۹)

بعضی دیگر از ریشه ها که ساختار رویدادی دارند، می توانند مثل فعل خود، توصیف شوند و انضمام خواهر اول توصیف گر به فعل منجر به ساخت مرکب فعلی توصیف گر خواهد شد. در این ترکیب ها، یک صفت فعلی با یک صفت ادغام می شود و متمم صفتی نقش توصیف گر صفت فعلی را دارد. به نظر هارلی (۲۰۰۹) کلمات مرکب فعلی موضوعی (مانند truck driver) و مرکب فعلی توصیف گر (مانند quick acting) به یک شکل تحلیل می شوند. کلمات مرکب غیرفعلی هنگامی ساخته می شوند که ریشه از نظر معنایی ماهیت اسمی دارد و فاقد ساختار موضوعی یا ساختار رویدادی است. یا وقتی که عنصر منضم شده موضوع مناسب یا توصیف گر رویدادی نباشد، در این صورت، عنصر منضم شده نوعی رابطه از قبیل تعیین کنندگی معنایی یا کاربردی یا هسته اسمی دارد.

بورر (۲۰۱۳: ۵۸۱) اسم های مرکب فعلی را از نوع نتیجه ای و دارای هسته نحوی پایانی معرفی می کند. به گفته او، اسم های مرکب فعلی پیش از نحو شکل می گیرند، در ساختار نحوی به صورت اسم ظاهر می شوند و فاقد ساختار موضوعی هستند. در این جا، از توضیح بیش تر در مورد نظریه برون اسکلتی بورر (۲۰۱۳) خودداری می شود؛ زیرا در بخش مباحث نظری به شرح آن پرداخته خواهد شد.

۲-۲. پژوهش های زبان شناسان ایرانی

صادقی (۱۳۸۳) از اولین کسانی است که ترکیب های فعلی فارسی معاصر را بر اساس رابطه دستوری جزء غیرفعلی آن ها با فعل، که در ژرف ساخت نحوی آن ها وجود داشته است، طبقه بندی می کند. او مرکب های فعلی را متداول ترین نوع ترکیب در زبان فارسی امروز معرفی می کند و جزء غیرفعلی آن ها را موضوع جزء فعلی به

شمار می‌آورد. همچنین، او نمونه‌هایی ارائه می‌کند که جزء غیر فعلی در این ترکیب‌ها فاعل، قید مکان، قید زمان، قید کیفیت و... است. صادقی (۱۳۸۳: ۸) این طبقه‌بندی را ارائه می‌کند:

۱. مفعول بی‌واسطه همچون خاک‌برداری؛

۲. مفعول با واسطه همچون همه‌پرسی؛

۳. متمم مکانی همچون پشت‌نویسی؛

۴. قید کیفیت همچون ساده‌نویسی؛

۵. گروه مصدر به حرف اضافه همچون ازسرگیری؛

۶. متمم ابزاری همچون گروه‌درمانی؛

۷. مسند اسم محذوفی با نقش نهادی یا مفعولی در ژرف‌ساخت همچون پاک‌سازی.

واحدی (۲۰۰۵) ترکیب‌های فعلی همچون برف‌پاک‌کن را اسم/ صفت عاملی می‌نامد که سازه غیر فعلی آن، موضوع درونی ستاک فعل مرکبی است که به آن منضم می‌شود. البته، او به وجود یک پسوند صفر نیز در ساخت واژگانی این‌گونه کلمات قائل است. وی «تعمیم موضوع برون»^۱ پیشنهادی لوین^۲ و رپپورت^۳ (۱۹۹۲: ۱۴۵)، که مطابقت ترکیب‌های فعلی با پسوند *-er* در زبان انگلیسی با موضوع برون فعل پایه را مسلم می‌داند، در زبان فارسی به درستی فاقد کارایی ارزیابی کرده است و به نمونه‌هایی چون دست‌آموز و دست‌نویس اشاره می‌کند که ممکن است به موضوع درونی پذیرا یا پذیرنده یا شرکت‌کننده‌های غیرموضوع نحوی از جمله مکان در رخت‌کن و زمان در خروس‌خون دلالت داشته باشند. با این وجود، واحدی (۲۰۰۵) توضیحی درباره انواع ترکیب‌های فعلی، حوزه ساخت، هسته‌های نحوی و معنایی و نیز موضوع نحوی و ساخت معنایی عناصر غیرفعلی آن‌ها به دست نمی‌دهد.

ارکان (۱۳۹۰) در چارچوب نظریه صرف مبتنی بر واژه قاموسی آرونوف^۴ (۱۹۹۴) به تحلیل کلمات مرکب فعلی زبان فارسی پرداخته است. در تحلیل او مدل ساخت کلمات مرکب فعلی به این صورت است:

[ستاک غیرفعلی + ستاک فعل] ← [ستاک فعلی مرکب مقید] ← [ستاک فعلی مرکب مقید + وند] ← کلمه مرکب فعلی.

برای نمونه، در اشتقاق واژه مرکب فعلی «اطلاع‌رسانی» ابتدا ستاک غیرفعلی «اطلاع» با ستاک فعلی «رسان» ادغام می‌شود. سپس، عنصر «اطلاع‌رسان» که به عنوان ستاک فعلی مرکب مقید لحاظ می‌شود، با پسوند *-ی* ترکیب و واژه «اطلاع‌رسانی» ایجاد می‌شود. در تحلیل ارکان (۱۳۹۰)، فرآیند ترکیب تکواژهای فعلی و موضوع

^۱ External argument generalization

^۲ B. Levin

^۳ M. Rappaport

^۴ M. Aronof

آن‌ها مقدم بر فرآیند اشتقاق با وندهای مورد نظر است. در نتیجه، برونداد قاعده ترکیب به عنوان ستاک واژگانی است که خود فعالانه در فرآیند واژه‌سازی شرکت می‌کند. از این‌رو، این ستاک را یک واقعیت ساخت‌واژی در نظر می‌گیرند که بدون آن توجیه برخی از فرآیندهای زبانی واژه‌سازی (اشتقاق و تصریف) در زبان فارسی امکان‌پذیر نیست. شایان ذکر است که ستاک (ستاک فعلی مرکب مقید) مطرح‌شده، به یک گروه فعلی/ فعل مرکب موجود و یا فعل مرکب ممکن متعلق است و قاعده تشکیل آن منشاء نحوی دارد.

غنچه‌پور (۱۳۹۲) تحلیلی پیکره‌بنیاد از ترکیب‌های فعلی زبان فارسی بر اساس نظریه لیبر^۱ (۲۰۱۰) ارائه می‌دهد. او پس از تعیین هسته‌های نحوی و معنایی این ترکیب‌ها، به این نتیجه رسید که انضمام معنایی در ساخت آن‌ها به صورت اشتقاق در پایه عمل می‌کند. به این ترتیب، از نظر وی فرآیند ترکیب فعلی، فرایندی است صرفی- نحوی که بیش‌تر رفتار نحوی دارد. او وجود کلمات مرکب فعلی با هسته نحوی آغازی و پایانی در کنار هم را منطبق با ساختارهای نحوی زبان فارسی دانسته، آن را مؤید تعامل میان حوزه‌های صرف و نحو در خصوص جایگاه هسته در این دو حوزه می‌انگارد. همچنین، بر اساس آمار ارائه‌شده از سوی غنچه‌پور (۱۳۹۲)، ترکیب‌های فعلی بیش از دو برابر ترکیب‌های غیرفعلی در زبان فارسی زیایی دارند. همچنین، برخلاف نظر لیبر (۱۹۸۳)، در مورد زبان انگلیسی، در زبان فارسی ترکیب‌های با بیش از یک موضوع اجباری نیز وجود دارند (همچون *آچارلوله‌گیر*)؛ به عبارت دیگر، در زبان فارسی انضمام چندگانه نیز دیده می‌شود که این امر فرض انضمام نحوی بیکر^۲ (۱۹۸۸) را در مورد زبان فارسی رد می‌کند.

غنچه‌پور (۱۳۹۸) شکل‌گیری و ساخت ترکیب فعلی و غیرفعلی زبان فارسی را با رویکردهای متفاوت دستور زایشی یعنی نظریه‌های گشتارگرا، واژگان‌گرا و حاکمیت و مرجع‌گزینی بررسی می‌کند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، نقش دستوری سازه‌ها و گزاره‌های انتزاعی در رویکردهای گشتارگرا سازوکار کافی برای ساخت ترکیب ارائه نمی‌دهد و ناقض اصل بازیایی است. رویکردهای واژگان‌گرا نمی‌توانند ترکیب‌های دو موضوعی و ترکیب‌هایی را تبیین کنند که در ساخت آن‌ها از موضوع بیرونی و فرایندهای نحوی استفاده شده است. چارچوب زیرمقوله‌ای فعل در رویکرد افراطی نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی رعایت نمی‌شود. موضوع در مجاورت ستاک برگرفته فعلی نیست و از اصل فرافکنی تخطی صورت می‌گیرد. همچنین، در این رویکرد برخلاف ماهیت اشتقاقی وند، نمود ترکیب برگرفته از وند تصریفی تحت حاکمیت گره تصریف ملاحظه می‌شود. رویکرد اعتدالی حاکمیت و مرجع‌گزینی نیز قادر به توضیح حالت‌بخشی هسته فعلی به سازه غیر مجاور نیست. بنابراین از دیدگاه این مطالعه هیچ‌یک از این رویکردها نمی‌توانند سازوکار مناسبی برای ساخت ترکیب واژه‌های مرکب فعلی و غیرفعلی زبان فارسی ارائه دهند و برای تحلیل این واژه‌ها رویکرد تعاملی نحوی-ساخت‌واژی کارآمدتر است.

¹ R. Lieber

² M. Baker

۳. چارچوب نظری پژوهش

مدل برون اسکلتی رویکردی زایشی در ساخت واژه و ساخت واژه-نحو است که توسط بورر (۲۰۰۵ و ۲۰۱۳) ارائه شده است. ایده اصلی مطرح شده در مدل برون اسکلتی این است که عناصر واژگانی دارای طبقه دستوری نیستند، بلکه طبقه دستوری آن‌ها به واسطه بافت نحوی تعیین می‌شود که در آن وقوع می‌یابند. در واقع، بورر (۲۰۰۵ و ۲۰۱۳) ریشه‌ها را زنجیره‌هایی^۱ کاملاً آوایی می‌داند که دارای هیچ محتوا، ویژگی نحوی و یا معنایی نیستند؛ بلکه محتوای ریشه‌ها به وسیله عملگرهای معنایی^۲ و مقوله آن‌ها به وسیله عملگرهای مقوله‌ای^۳ مشخص می‌شود. عمل‌گرهای معنایی در این مدل گره‌های نقشی را ارزش‌گذاری می‌کنند و در ارتباط با فرافکن‌های گسترده^۴ هستند. عمل‌گرهای مقوله‌ای سازنده مقوله و مشخص‌کننده فضای مقوله‌ای متمم به عنوان طبقه‌ای برابر، برای مقوله‌ای دیگر است. به عبارت دیگر، در عمل‌گر مقوله‌ای $C_X[Y]$ ، عمل‌گر مقوله‌ای سازنده X است که Y را به عنوان متمم خود معرفی می‌کند. برای روشن‌تر شدن عملکرد این مقوله به عمل‌گر مقوله‌ای $C_N[V]$ توجه کنید: در اینجا C عمل‌گری مقوله‌ای است که سازنده اسم فعل است و متمم مقوله‌ای آن برابر فعل است. بنابراین، بر اساس مدل برون اسکلتی بورر (۲۰۰۵ و ۲۰۱۳)، طبقه نحوی یک واژه تنها بر اساس توزیع آن در ساختار نحوی مشخص می‌شود.

منظور از اسم‌های مرکب فعلی، واژه‌های مرکبی هستند که هسته آن‌ها از طریق وندافزایی از یک فعل مشتق شده و جزء دیگر یکی از موضوع‌های فعلی است که مانند *truck driver* هسته از آن مشتق شده است (اسپنسر^۵، ۱۹۹۱: ۳۰۹، ۳۱۹، ۳۲۴). در واقع، اسم‌های مرکب فعلی را می‌توان اسم فعل‌های مرکب نامید. زیرا در این ترکیب‌ها هسته اسم فعلی با اسم غیرهسته ترکیب می‌شود که موضوع فعل پایه است (ایرودشیا، ۲۰۱۵: ۱). بورر (۲۰۱۳: ۶۲۲) اسم‌های مرکب فعلی را همانند ترکیب‌های ریشه‌ای می‌داند و آن‌ها را اسم‌های نتیجه‌ای معرفی می‌کند که فاقد ساختار رویدادی و موضوعی هستند. بورر (۲۰۱۳) می‌گوید ممانعت از حضور گروه حرف اضافه توسط^۶، قیود نمودی^۷ و بند منظوری^۸ دلیل اسم‌نتیجه‌ای بودن اسم‌های مرکب فعلی است. این مسئله در مثال (۱) قابل مشاهده است.

- 1) a. The house demolition (*by the army) (*in two hours) (*in order to punish the family)
 b. The facility maintenance (*by the management) (*for two years)
 (Borer, 2013: 581)

¹ Strings

² Semantic functor (S functor)

³ Categorical functor (C functor)

⁴ Extended projection

⁵ A. Spencer

⁶ By phrase

⁷ Aspect adverbial

⁸ Purpose clause

درحقیقت، از دیدگاه بورر (۲۰۱۳) خوانش معنایی اسم‌های درون ترکیب به نقش معنایی پسوندها (Er-) و -ing در انگلیسی) وابسته است. برای مثال، پسوند -ing به اسم خوانش رویدادی ساده همراه با آغازگر^۱ (نقشی تتایی که کم‌وبیش با نقش تتایی عامل برابر است) اعطا می‌کند. در مثال (2a)، اسم chef آغازگر اضافه در جمله است و چون یک حوزه نقشی نمی‌تواند دارای ۲ آغازگر باشد، جمله نادرستی است. اما در نمونه (6b)، اسم chef توصیف‌گر^۲ و نه آغازگر و بنابراین جمله دستوری است.

2) a. *Chef stewart (of the dish) (with chef as Originator)

b. Chef stewart (of the dish) (a stewart who is a chef) (Borer, 2013: 601)

بورر (۲۰۱۳: ۶۱۰) بر این باور است که مفهوم‌سازی‌های عامل و پذیرا به معنای وجود رویداد نحوی واقعی نیست و تنها تضمینی معنایی است. این مسئله بدین معناست که جزء غیرهسته به عنوان موضوع هسته محسوب نمی‌شود و ادراک موضوعی آن به واسطه بافت متنی صورت می‌گیرد. از این رو، خوانش مفعولی، فاعلی و یا اضافی تنها با استفاده از متن مشخص می‌شود. او (۲۰۱۳: ۶۰۰) در تأیید گفته‌های خود نمونه‌های (۳) را ارائه می‌کند. در این نمونه‌ها، جزء غیرهسته فاعل محسوب می‌شود. این مسئله برخلاف نظر گریم‌شاو (۱۹۹۰) است، گریم‌شاو (۱۹۹۰) می‌پندارد که در اسم‌های مرکب فعلی جزء غیرهسته بر اساس سلسله‌مراتب تتایی تنها می‌تواند مفعول مستقیم باشد و سایر موضوع‌ها نمی‌توانند وجود داشته باشند.

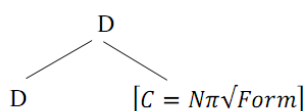
3) teenager destruction, teacher recommendation, government decision, court investigation (Borer, 2013: 600)

همان‌گونه که گفته شد، بورر (۲۰۱۳: ۶۱۸-۶۱۶) ساختار اسم‌های مرکب فعلی را مشابه ساختار اسم‌های نتیجه و فاقد ساختار موضوعی می‌داند. بر اساس نظر او، این نوع از ترکیب در ۲ مرحله انجام می‌شود: ابتدا اسم و فعل با هم ادغام می‌شوند؛ سپس اسم به سمت چپ فعل حرکت می‌کند، در نتیجه، فعل می‌تواند با عمل‌گر طبقه ترکیب و تمام ترکیب به اسم تبدیل شود. نکته حائز اهمیت در این تحلیل این است که بورر (۲۰۱۳) در تحلیل اسم مرکب فعلی بر عدم وجود وند اشتقاقی صفر در این سازه‌ها تأکید دارد. از دیدگاه او، اسم‌های مرکب فاقد وند اشتقاقی آشکار بر اساس بافت نحوی که در آن واقع گردیده‌اند، دارای طبقه دستوری اسم شده‌اند.^۳ بنابراین در تحلیل اسم‌های مرکب فعلی نیز تنها وند اشتقاقی آشکار، عمل‌گر نقشی است. نمودار (۲) چگونگی

^۱ originator

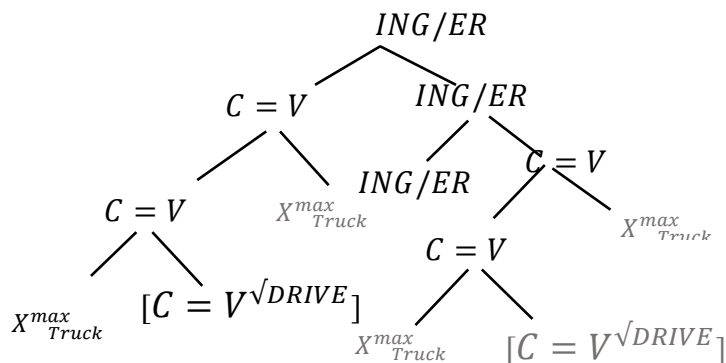
^۲ modifier

^۳ در دستور برون‌اسکلتی، نقش دستوری ریشه‌ها براساس بافت نحوی آن‌ها تعیین می‌شود. برای مثال، وقتی ریشه form تحت تسلط سازه‌ای حرف تعریف قرار دارد، دارای نقش دستوری اسم است.

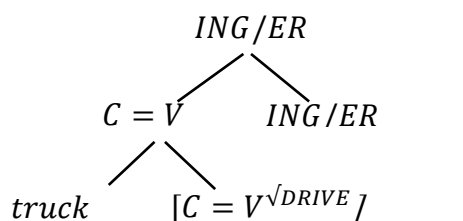


(Borer, 2013: 320)

ترکیب در اسم فعل‌های مرکب truck driving/truck driver را نشان می‌دهد و نمودار (۳) صورت کوتاه‌شدهٔ همین نمودار است.



نمودار (۲) نمایش ساختار اسم‌های مرکب فعلی truck driving/truck driver (بورر، ۲۰۱۳: ۵۹۹)



نمودار (۳) نمایش صورت کوتاه‌شده ساختار اسم‌های مرکب فعلی truck driving/truck driver (بورر، ۲۰۱۳:

۵۹۸)

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش، ابتدا ویژگی‌های اسم‌های مرکب فعلی در زبان فارسی معرفی می‌شود. سپس با مبنا قراردادن نظریهٔ برون‌اسکلتی بورر (۲۰۱۳) به آزمون کفایت این نظریه در تبیین ماهیت اسم‌های مرکب فعلی این زبان پرداخته می‌شود. گفتنی است که پژوهش حاضر به صورت کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود. تمامی داده‌ها از طباطبایی (۱۳۹۵)، فرهنگ هشت جلدی سخن (انوری، ۱۳۹۴) و واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی استخراج شده‌اند.

۴-۱. ویژگی‌های اسم‌های مرکب فعلی زبان فارسی

اسم‌های مرکب فعلی در زبان فارسی متشکل از سه سازهٔ فعلی، غیرفعلی و وند اشتقاقی آشکار یا نهان است. از آن‌جا که فعل نقش هستهٔ نحوی را در اسم مرکب فعلی ایفا می‌کند، در پژوهش حاضر آن دسته از اسم‌های

مرکب فعلی بررسی می‌شوند که دارای هسته نحوی ستاک فعلی و پسوند اشتقاقی اسم‌ساز آشکار هستند. در زبان فارسی، هسته نحوی اسم‌های مرکب فعلی هم در پایان ترکیب (غذاخوردن، آبریزش، آجیل خوری) و هم در آغاز ترکیب (راننده اتوبوس، رشته‌آش) قرار می‌گیرد. به گفته صادقی (۱۳۸۳)، ستاک فعلی موجود در اسم‌های مرکب فعلی هم می‌تواند از نوع گذشته (گروگان گرفتن) و هم از نوع حال (کفش دوزک) باشد. افزون بر این، وندهای اشتقاقی که در اسم‌های مرکب فعلی زبان فارسی به کار می‌روند، از نوع پسوندی هستند. جدول (۱) پسوندهای اسم‌ساز به کار رفته در اسم‌های مرکب فعلی زبان فارسی را نشان می‌دهد.

جدول ۱.

پسوندهای به کار رفته در اسم‌های مرکب فعلی زبان فارسی

پسوند اسم‌ساز	هسته‌آغازی	هسته پایانی	مثال
«-æk / اک-»	∅ ^۱	* ^۲	کفش دوزک، آب دزدک، گوش خارک، بادخورک، دم پختک (هسته پایانی)
«-æn / ان-»	∅	*	آجیل خوردن، آواز خواندن، وام گرفتن، آدم کشتن، دروغ گفتن (هسته پایانی)
«-ænde / نده-»	*	*	شرکت کننده، رای دهنده، گردآورنده، پدیدآورنده، یادآورنده (هسته پایانی)، راننده تاکسی، راننده کامیون، گوینده خبر (هسته‌آغازی)
«-an / ان+»	∅	*	حنابندان، عقدکنان، بره‌کشان، گلاب‌گیران، سمنویزان (هسته پایانی)
«-eʃ / ش-»	∅	*	آبریزش، سرزنش، خون‌روش، خون‌ریزش، جان‌کنش (هسته پایانی)
«-e / ه-»	*	*	موخوره، آت‌شزنه، دل پیچه، دستگیره، خاکروبه (هسته پایانی)، رشته‌آش، شکسته دل (هسته‌آغازی)
«-i / ی-»	*	*	غذاخوری، گروگان‌گیری، آشپزی، فیلم‌سازی، تاکسی‌رانی (هسته پایانی)، گرفتنی بینی (هسته‌آغازی)

۴-۲. تحلیل اسم مرکب فعلی در زبان فارسی

بورر (۲۰۱۳) اسم‌های مرکب فعلی را از نوع نتیجه‌ای و دارای هسته نحوی پایانی معرفی می‌کند. به گفته او، این اسم‌ها پیش از نحو شکل می‌گیرند، در ساختار نحوی به صورت اسم ظاهر می‌شوند و فاقد ساختار موضوعی هستند. در واقع، بورر (۲۰۱۳: ۵۸۱) بر این باور است که نقش‌های معنایی اسم‌های مرکب فعلی صرفاً بر اساس بافتی تعیین می‌شوند که در آن‌ها قرار دارند. به بیان دیگر، موضوع‌های درونی در مدخل واژگانی ثبت نشده‌اند، بلکه بر اساس ساختار رویدادی کامل تعیین می‌شوند که حداقل دارای گروه رویداد و گروه نمود است. بر همین مبنا، او عدم قبول همراهی گروه حرف اضافه «توسط»، توصیف‌گر نمودی و بندهای منظوری با اسم‌های مرکب

^۱ تهی^۲ غیر تهی

فعلی را نشان‌گر فقدان ساختار موضوعی اسم‌های مرکب فعلی معرفی می‌کند. به نظر می‌رسد این معیارهای بورر (۲۰۱۳) در زبان فارسی دارای موارد نقض بسیاری باشد و زبان فارسی هم دارای اسم مرکب فعلی نتیجه‌ای و هم اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی باشد. در ادامه، ابتدا معیارهای پیشنهادی بورر (۲۰۱۳) در خصوص رد وجود اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی در اسم‌های مرکب فعلی زبان فارسی بررسی و ارزیابی می‌شود. سپس ساختار این اسم‌ها بر اساس انگارهٔ برون‌اسکلتی تحلیل می‌شوند.

الف) عدم همراهی توصیف‌گر نمودی

همان‌طور که گفته شد، بورر (۲۰۱۳) معتقد است عدم همراهی توصیف‌گر نمودی با اسم‌های مرکب فعلی نشان‌دهندهٔ عدم وجود فراقکن نمودی و در نتیجه، عدم وجود ساختار رویدادی است. ساختاری که اسم‌های ساختار موضوع آن را دارند. این مسئله در مثال‌های (۴)، (۵ ج) و (۶ ج) از زبان فارسی درست است.

(۴). خدادادی (*توسط نوید) (*طی چهار روز)

مثال (۴) نمونه‌ای از اسم‌های مرکب فعلی در زبان فارسی است، که توصیف‌گر نمودی (طی چهار روز) به دلیل ادغام موضوع بیرونی (خدا) و فعل با اسم مرکب فعلی (خدادی) همراه نمی‌شود.

(۵) الف. زهرا کفش را دوخت

ب. دوختن کفش توسط زهرا ظرف دو ساعت

ج. کفش‌دوزک (*توسط زهرا) (*ظرف دو ساعت)

(۶) الف. علی دو هفته تاکسی را می‌راند

ب. راندن تاکسی توسط علی به مدت دو هفته

ج. راننده تاکسی (*توسط علی) (*۲ هفته‌ای)

در مثال‌های (۵ج) و (۶ج) نیز در حالی که همراهی توصیف‌گر نمودی (ظرف دو ساعت) و (۲ هفته‌ای) با اسم مرکب فعلی (کفش‌دوزک) و (راننده تاکسی) نادرستی است، همراهی توصیف‌گر نمودی با اسم فعل‌هایی با ساختار موضوعی متناظر با آن‌ها (دوختن کفش) و (راندن تاکسی) در (۵ب) و (۶ب) دستوری است. در واقع، مثال‌های (۵ب) و (۶ب) از نوع اسم‌های نتیجه‌ای می‌باشند. به اعتقاد بورر (۲۰۱۳: ۴۴۲) اسم‌های نتیجه‌ای ممکن است به یک موقعیت، کیفیت، نتیجهٔ رویداد، رویدادی ساده و یا تنها به یک شیء اشاره کنند. این اسم‌ها پیش از نحو شکل می‌گیرند، در ساختار نحوی به صورت اسم ظاهر می‌شوند و فاقد ساختار موضوعی هستند.

در زبان فارسی، اما عدم همراهی توصیف‌گر نمودی در مثال‌های (۴)، (۵ج) و (۶ج) به معنای عدم همراهی این توصیف‌گر در تمامی اسم‌های مرکب فعلی نیست. به نظر می‌رسد اگرچه تعدادی از اسم‌های مرکب فعلی در زبان فارسی همچون مثال‌های (۴)، (۵) و (۶) با این معیار بورر (۲۰۱۳) مبنی بر عدم همراهی توصیف‌گر نمودی با اسم مرکب فعلی مطابقت دارند، اما برخی از اسم‌های مرکب فعلی این معیار را نقض می‌کنند. نمونه‌های (۷ج)

و (۸ج) دارای اسم مرکب فعلی ساختار موضوعی معلوم «غذا خوردن» و «درس خواندن» هستند که همراهی توصیف‌گر نمودی با آن‌ها همانند اسم فعل‌های دارای ساختار موضوعی متناظر با آن‌ها «خوردن» و «خواندن» در مثال (۷ب) و (۸ب) دستوری است.

(۷) الف. علی غذا را خورد.

ب. خوردن غذا توسط علی دو ساعت طول کشید.

ج. غذا خوردن (دو ساعت) (علی)

(۸) الف. مریم یک سال درس خواند

ب. خواندن درس توسط مریم به مدت یک سال

ج. درس خواندن (یک ساله) (مریم)

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت معیار عدم همراهی توصیف‌گر نمودی در اسم‌های مرکب فعلی زبان فارسی نقض می‌شود.

ب) عدم همراهی گروه حرف اضافه «توسط»

یکی دیگر از معیارهای بورر (۲۰۱۳) برای رد ساختار موضوعی بودن اسم‌های مرکب فعلی عدم همراهی گروه حرف اضافه «توسط» (موضوع بیرونی) با این اسم‌ها است. به گفته بورر (۲۰۱۳: ۵۹۱)، حضور گروه حرف اضافه «توسط» (موضوع بیرونی) نیازمند ساختار رویدادی است. بنابراین، عدم همراهی گروه حرف اضافه «توسط» با اسم‌های مرکب فعلی نشان‌دهنده فقدان ساختار رویدادی در آن‌ها است.

در زبان فارسی، موضوع بیرونی (گروه حرف تعریف و گروه حرف اضافه «توسط») با برخی اسم‌های مرکب فعلی هم‌چون مثال‌های (۹ج) و (۱۰ج) همراه نمی‌شوند.

(۹) الف. علی خود را فروخت

ب. خودفروخته (*علی)

ج. خودفروخته (*توسط علی)

(۱۰) الف. زهرا رای می‌دهد.

ب. رای‌دهنده (*زهرا)

ج. رای‌دهنده (*توسط زهرا)

اما عدم همراهی گروه حرف اضافه «توسط» (موضوع بیرونی) در مثال‌های (۹ب و ج)، (۱۰ب و ج) به معنای عدم وجود آن در تمامی اسم‌های مرکب فعلی فارسی نیست. بلکه به نظر می‌رسد اگرچه تعدادی از اسم‌های مرکب فعلی در زبان فارسی همچون مثال‌های مطرح شده با معیار عدم همراهی موضوع بیرونی با اسم مرکب فعلی بورر (۲۰۱۳)، همسو است، اما برخی از اسم‌های مرکب فعلی مانند نمونه (۱۱ب)، (۱۲ب)، (۱۳ب) و (۱۴ب)

این معیار را نقض می کنند. البته، باید متذکر شد از آنجا که زبان فارسی دارای دو نوع اسم مرکب فعلی معلوم و مجهول^۱ است، موضوع بیرونی به دو صورت متفاوت با اسم های مرکب فعلی همراه می شود. در اسم های مرکب فعلی معلوم همانند؛ مثال های (۱۱)، (۱۲) موضوع بیرونی به صورت ساختار اضافی نشان داده می شود و در اسم های مرکب فعلی مجهول همچون؛ مثال های (۱۳) و (۱۴) به وسیله گروه حرف اضافه «توسط» مشخص می شود.

(۱۱) الف. علی دعا را خواند

ب. دعا خواندن علی

(۱۲) الف. وحید دروغ گفت

ب. دروغ گویی علی

(۱۳) الف. چهار مرد پسر جوان را به مدت هفت ساعت گروگان گرفتند

ب. هفته گذشته پسر جوانی هراسان با پلیس تماس گرفت و از (گروگان گیری ۷ ساعته) و سرقت ۴ میلیاردی پول هایش (توسط چهار مرد) خبر داد.^۲

(۱۴) الف. یک فعال اقتصادی شصت سانتافه رشوه داد.

ب. رشوه دادن شصت سانتافه (توسط یک فعال اقتصادی)^۳ (پایگاه خبری-تحلیلی قدس آنلاین ۹۲/۹/۹)

ج) عدم همراهی بند منظوری

علاوه بر دو معیار عدم همراهی گروه حرف اضافه «توسط» (موضوع بیرونی) و عدم همراهی توصیف گر نمودی با اسم های مرکب فعلی، بورر (۲۰۱۳) معتقد است، در زبان انگلیسی و عبری این اسم ها با بند منظوری نیز همراه نمی شوند. بر اساس نظر بورر (۲۰۱۳: ۵۷)، بندهای منظوری در اسم هایی که دارای ساختار موضوعی هستند، به وسیله موضوع آشکار و یا پنهان کنترل می شوند، در نتیجه، عدم همراهی بند منظوری با اسم های مرکب فعلی به معنای عدم وجود موضوع در ساختار این اسم ها است. به بیانی دیگر، عدم امکان همراهی بند منظوری با اسم های مرکب فعلی نشانگر نتیجه ای بودن این اسم ها و نداشتن ساختار موضوعی آن ها است. این مسئله در زبان فارسی همیشه صادق نیست، چنان که در مثال های (۱۵) و (۱۶) نشان داده شده است. برخی از اسم های مرکب فعلی در زبان فارسی به دلیل داشتن ساختار موضوعی می توانند با بند منظوری همراه شوند. برای نمونه، اسم مرکب فعلی «درس خواندن» در مثال (الف) دارای ساختار موضوعی معلوم است و به همین دلیل در این مثال علاوه بر همراهی موضوع بیرونی «مریم» و نمود قیدی «یک ساله» بند منظوری «برای قبولی در کنکور» نیز با

^۱ ساختار اسم های مرکب فعلی معلوم و اسم های مرکب فعلی مجهول در ادامه نشان داده شده است.

^۲ سایت خبر آنلاین، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴

^۳ می توان به مثال (۱۹) قید نمودی افزود: رشوه دادن شصت سانتافه در مدت چهار سال توسط یک فعال اقتصادی اما بدلیل حفظ امانت داری از اضافه کردن قید نمودی اجتناب شده است.

اسم مرکب فعلی «درس خواندن» همراه است. همین مسئله در اسم فعل با ساختار موضوعی معلوم «خواندن» متناظر با آن در مثال (۱۵) نیز قابل مشاهده است.

(۱۵) الف. درس خواندن یک‌ساله مریم برای قبولی در کنکور بیهوده بود.

ب. خواندن درس یک‌ساله توسط مریم برای قبولی در کنکور بیهوده بود.

همچنین، نمونه اسم مرکب فعلی «بسترسازی» در مثال (۱۶) دارای ساختار موضوعی مجهول است. بر همین اساس، در این نمونه نیز علاوه بر همراهی گروه حرف اضافه «توسط» (موضوع بیرونی) «توسط بانوان» بند منظوری «برای توسعه اقتصادی در جامعه» نیز با اسم مرکب فعلی «بسترسازی» همراه است. این مسئله در اسم فعل با ساختار موضوعی مجهول «ساختن» متناظر با آن در مثال (۱۶) نیز مشهود است

(۱۶) الف. ضرورت بسترسازی (توسط بانوان) (برای توسعه اقتصادی در جامعه)^۱

ب. ضرورت ساختن بستر (توسط بانوان) (برای توسعه اقتصادی در جامعه)

بنابراین، با توجه به همراهی موضوع بیرونی، قیود نمودی و بند منظوری با برخی اسم‌های مرکب فعلی می‌توان به این نتیجه رسید که برخلاف نظر بورر (۲۰۱۳) که تمامی اسم‌های مرکب فعلی را از نوع نتیجه‌ای می‌داند، در زبان فارسی تمامی اسم‌های مرکب فعلی از نوع نتیجه‌ای نیستند، بلکه این زبان دارای دو نوع اسم مرکب فعلی نتیجه‌ای و اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی است.

با توجه به آنچه گفته شد، بر اساس دیدگاه بورر (۲۰۱۳) اسم مرکب فعلی از نوع نتیجه‌ای است. او فرایند اشتقاق اسم مرکب فعلی را شامل دو مرحله می‌داند: ۱. ابتدا اسم و فعل با هم ادغام می‌شوند و ستاک مرکب فعلی ایجاد می‌شود. سپس ستاک مرکب فعلی به سمت چپ عمل‌گر مقوله حرکت می‌کند و با آن ترکیب و تمام ترکیب به اسم تبدیل می‌شود. بنابراین، تمامی اسم‌های مرکب فعلی از نوع هسته‌پایانی هستند. فرایند اشتقاق اسم مرکب فعلی بر اساس دیدگاه بورر (۲۰۱۳: ۵۹۹) در الگوی (۱۷) قابل مشاهده است.

(17) [N-V]_v C_N[_v]_N

زبان فارسی اما نه تنها دارای دو نوع اسم مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌پایانی است، بلکه اسم مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌آغازی را نیز دارد. افزون بر این، همان‌طور که بیان شد، این زبان اسم‌های مرکب فعلی ساختار موضوعی را نیز در خود دارد. در ادامه، نخست در زیربخش ۴-۲-۱ اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌پایانی مطرح و سپس، در زیربخش ۴-۲-۲ اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌آغازی بررسی می‌شود. زیربخش ۴-۲-۳ به تحلیل اسم‌های مرکب فعلی با ساختار موضوعی زبان فارسی اختصاص دارد و در پایان، در زیربخش ۴-۲-۴ اسم‌های مرکب فعلی با وند اشتقاقی صفر بی‌قرینه بررسی می‌شوند.

^۱ خبرگزاری بین‌المللی قرآن ۱۳۹۳/۰۱/۲۷

۴-۲-۱. اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌پایانی

به اعتقاد بورر (۲۰۱۳)، اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای ممکن است به یک موقعیت، کیفیت، نتیجه‌ی رویداد، رویدادی ساده^۱ و یا تنها به یک شیء اشاره کنند. این اسم‌ها پیش از نحو شکل می‌گیرند، در ساختار نحوی به صورت اسم ظاهر می‌شوند و فاقد ساختار موضوعی هستند. هسته‌ی نحوی در این نوع اسم مرکب فعلی، سازه‌ی پایانی است. بورر (۲۰۱۳) این اسم‌ها را نوعی اسم مرکب اولیه^۲ فرض می‌کند. برای اشتقاق این اسم‌ها ابتدا اسم و ستاک فعلی باهم ادغام می‌شوند تا ستاک مرکب فعلی تشکیل شود. سپس این ستاک مرکب فعلی به سمت چپ عمل‌گر مقوله حرکت می‌کند. در نتیجه، ستاک مرکب فعلی می‌تواند با عمل‌گر طبقه ترکیب شود و تمام ترکیب به اسم تبدیل می‌شود. پسوندهای اشتقاقی که در ساختار اسم مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌پایانی زبان فارسی به کار می‌روند، عبارتند از: «-ان»/an- مانند «سمنوپزان»، «-نده»/ænde- مانند «پدیدآورنده»، «-ش»/eʃ- مانند «آبریزش»، «-ک»/æk- مانند «بادکنک»، «-»/e- مانند «آتش‌زنه»، «-ی»/i- مانند «خدادادی». مثال‌های (۱۸) و (۱۹) دو نمونه از اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌پایانی در زبان فارسی را نشان می‌دهند:

(۱۸) الف. سهیلا کفش را دوخت.

ب. *کفشدوزک توسط سهیلا

ج. *کفشدوزک سهیلا

(۱۹) الف. مار علی را گزید.

ب. *مارگزیده علی

ج. *مارگزیده توسط علی

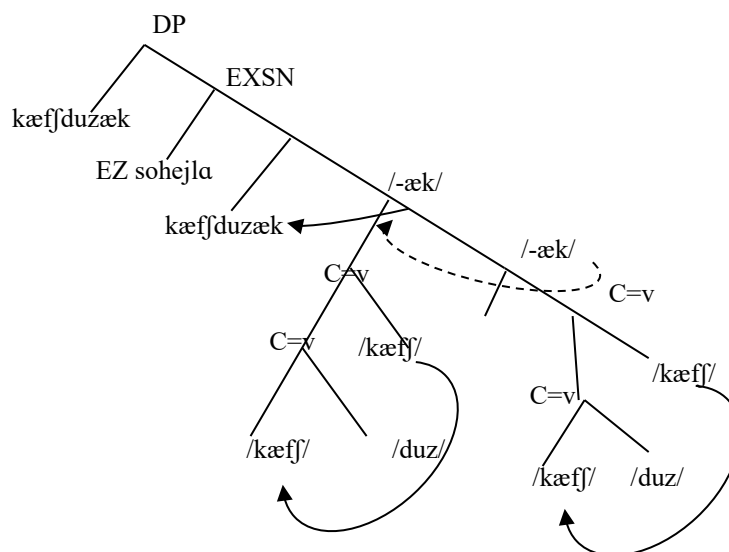
د. مارگزیده

نمودار (۴)^۳ که نمایش اسم مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌پایانی «کفشدوزک» در مثال (ج ۱۸) است، ساختار این نوع از اسم‌های مرکب نتیجه‌ای را در زبان فارسی نشان می‌دهد.

^۱ اسم‌های رویدادی ساده اگرچه دارای خوانش رویدادی هستند، اما چون تحت فرایند واژگانی‌شدگی قرار گرفته‌اند، هم در دیدگاه بورر (۲۰۱۳) و هم گریم‌شاو (۱۹۹۰) ساختاری همانند اسم‌های نتیجه‌ای دارند. از نمونه‌های بارز اسم‌های رویدادی ساده می‌توان از اسم‌هایی (مانند حنابندان، عقدکنان، شیرینی‌خوران و...) نام برد که به مراسم، جشن و یا واقعه‌ای خاص اشاره می‌کنند.

^۲ Primary Compound

^۳ نمودار (۴) قابلیت تعمیم به سایر اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌پایانی زبان فارسی را دارد.



نمودار (۴) بازنمایی ساختار اسم مرکب فعلی (کفشدوزک) در مثال (۱۸ج)

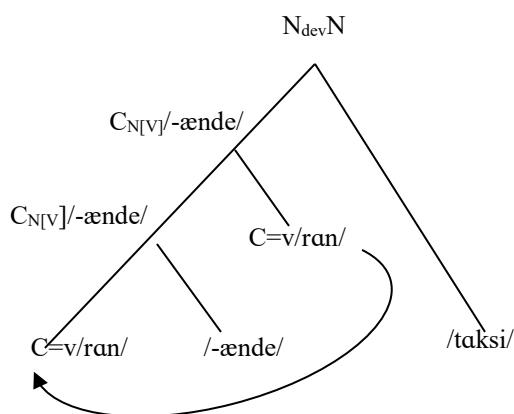
در نمودار (۴)، ابتدا ستاک حال «دوز» با اسم «کفش» ادغام می‌شود و ستاک مرکب فعلی «کفشدوز» ساخته می‌شود. سپس، این ستاک مرکب فعلی به سمت چپ عمل گر مقوله‌ای «-ک» /-æk/ حرکت می‌کند. در نهایت، پسوند اشتقاقی «-ک» /-æk/ با ستاک فعلی ادغام و این ترکیب به اسم تبدیل می‌شود. همچنین، در نمودار (۴) هم گروه حرف تعریف «کفشدوزک» و هم گروه حرف تعریف «سهیلا» در جایگاه مشخص گر نقشی فرافکن گسترده اسمی ادغام شده‌اند. یادآوری می‌شود که در این نمودار گروه حرف تعریف «سهیلا» هرگز موضوع درونی اسم «کفشدوزک» محسوب نمی‌شود زیرا این ساختار فاقد ساخت موضوعی است. بورر (۲۰۱۳) تصریح می‌کند از آن جا که در زبان انگلیسی اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای ساختار موضوعی ندارند، چنانچه این اسم‌ها دارای متمم بشوند، حضور این متمم به واسطه ادغام با حرف اضافه «of» و یا ادغام با بند توجیه می‌شود و هرگز موضوع رویداد محسوب نخواهد شد. همچنین، اگر اسم مرکب فعلی نتیجه‌ای دارای فاعل شود، این فاعل به هیچ وجه موضوع اسم مرکب فعلی نتیجه‌ای نیست؛ بلکه این فاعل به خاطر ساختار درونی گروه حرف تعریف اجازه حضور یافته است و نقش آن مالک آزاد است.

به نظر بورر (۲۰۱۳)، نقش مالک آزاد مرتبط با جایگاه مشخص گر گروه حرف تعریف است. به عبارت دیگر، گروه اسمی که در جایگاه مشخص گر گروه حرف تعریف قرار می‌گیرد، دارای نقش مالک آزاد می‌شود. در زبان فارسی نیز گروه حرف تعریف «سهیلا» در این ساختار تنها داری نقش مالک آزاد محسوب می‌شود. افزون بر این، دلیل نادستوری بودن نمونه‌های (۱۷ ب) و (۱۸ ب و ج) این است که اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای فاقد ساختار موضوع هستند در نتیجه، این اسم‌ها هیچ موضوع ساختاری را تحمل نمی‌کنند.

۲-۲-۴. اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌آغازی

داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد جایگاه هسته در برخی اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای (رشته‌آش، راننده تاکسی و...) عنصر سمت چپ^۱ آن‌ها است. این اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌آغازی در زبان فارسی همچون همتای هسته‌پایانی خود به یک موقعیت، کیفیت، نتیجه‌ی رویداد، رویدادی ساده یا تنها به یک شیء اشاره می‌کنند، پیش از نحو شکل می‌گیرند، در ساختار نحوی به صورت اسم ظاهر می‌شوند و فاقد ساختار موضوعی هستند. هسته‌ی نحوی در این نوع از اسم‌های مرکب فعلی، سازه‌ی آغازی است. پسوندهای اشتقاقی که در ساختار اسم مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌آغازی به کار می‌روند، عبارتند از «-نده» /-ænde/ مانند «راننده تاکسی»، «-» /-e/ مانند «رشته‌آش»، «-ی» /-i/ مانند «گرفتگی بینی» (طباطبایی، ۱۳۸۲).

این گروه از اسم‌های مرکب فعلی برخلاف نظر بورر (۲۰۱۳) برای تشکیل شدن از الگوی (۱۶) [N-V]v پیروی نمی‌کنند. بلکه در فرایند ترکیب آن‌ها ابتدا فعل طی فرایند اسم‌شدگی به اسم تبدیل می‌شود و سپس با جزء غیرهسته ترکیب می‌شود. بنابراین، الگوی شکل‌گیری این اسم‌ها را می‌توان به صورت (۱۹) نشان داد.

19) [N_{dev}-N]

نمودار (۵) بازنمایی ساختار اسم مرکب نتیجه‌ای هسته‌آغازی «راننده تاکسی»

نمودار (۵) ساختار اسم مرکب فعلی «راننده تاکسی» را که از نوع نتیجه‌ای و هسته‌آغازی است، نشان می‌دهد. در این نمودار، ابتدا ستاک فعلی «ران» با پسوند «-نده» ادغام شده و اسم فعل «راننده» را می‌سازد. سپس جزء غیرهسته «تاکسی» با اسم فعل «راننده» ترکیب می‌شود و اسم مرکب فعلی «راننده تاکسی» ساخته می‌شود. وجود واژه‌هایی چون «راننده تاکسی» نشان‌دهنده این واقعیت است که فرضیه وجود تنها یک ساختار (N-V)v وجود دارد.

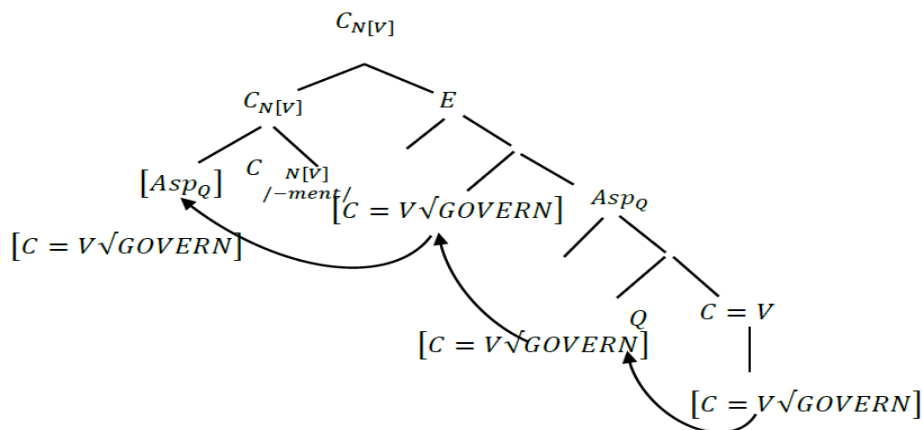
^۱ شایان ذکر است در واج‌نویسی‌ها و نمودارهای این مقاله داده‌های فارسی براساس الفبای آواشناسی بین‌المللی (IPA) از چپ به راست نگاشته شده است.

$C_N[V]N$ (برای اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای توجیه نظری ندارد. بلکه فرض وجود دو ساختار متفاوت $[N-V]V$ و $C_N[V]N$ برای اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای، تحلیل بهتری را برای اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای حداقل در زبان فارسی ارائه می‌کند.

۴-۲-۳. اسم‌های مرکب فعلی با ساختار موضوعی

بورر (۲۰۱۳) اسم‌های مرکب فعلی را از نوع نتیجه‌ای می‌داند و الگویی از اسم‌های مرکب فعلی ساختار موضوعی ارائه کرده است. بنابراین، الگوی مورد استفاده در این زیربخش، به وسیله نگارندگان بر اساس اصول نظریه برون‌اسکلتی در تحلیل اسم فعل‌های ساختار موضوعی و اسم‌های مرکب فعلی با ساختار موضوعی موجود در زبان فارسی مطرح شده است. بر اساس نظر بورر (۲۰۱۳)، اسم فعل‌های ساختار موضوعی از طریق فرآیند اسم‌شدگی گروه فعلی (VP) در نحو مشتق می‌شوند. در حالی که اسم فعل‌های نتیجه‌ای پیش از حضور در ساختار اشتقاقی نحو تشکیل شده‌اند و به طور مستقیم در ساختار اشتقاقی نحوی به عنوان اسم ظاهر می‌شوند. برای نمونه، بورر (۲۰۱۳: ۴۲۰) ساختار اسم فعل ساختار موضوعی معلوم "government" را که در مثال (۲۰) به کار رفته است، در نمودار (۶) نشان داده است. در این مثال، ریشه فعلی \sqrt{GOVERN} که تحت فرافکن گسترده رویداد قرار دارد، برای اسم‌شدن ابتدا به گره نمودی (ASPQ) حرکت می‌کند تا ویژگی کیفیت خود را به دست آورد و سپس به جایگاه هسته رویداد حرکت می‌کند تا دارای مقوله رویداد (فعلی) شود. در نهایت، در جایگاه متمم عمگر مقوله‌ای $C_N[V]$ /-ment/ قرار می‌گیرد، با آن ادغام می‌شود و اسم فعل ساختار موضوعی معلوم "government" ایجاد می‌شود.

(20) The government of the people (by the people) (Borer, 2013: 420)



نمودار (۶) بازنمایی ساختار اسم فعل ساختار موضوعی معلوم Government مثال (۲۰) (بورر، ۲۰۱۳: ۴۲۰)

در زبان فارسی، اسم‌های مرکب فعلی ساختار موضوعی دارای دو ساختار متفاوت هستند: در دسته اول، ابتدا جزء غیرفعلی (مفعول مستقیم) با ستاک فعلی که تحت فراکن نمود (کمی و یا غیر کمی) و فراکن گسترده رویداد قرار دارد، در جایگاه هسته رویداد ادغام و دارای مقوله می‌شود. سپس، فعل مرکب حاصل به جایگاه متمم عمل‌گر مقوله‌ای $C_N[V]$ حرکت می‌کند، با آن ادغام می‌شود و اسم ساختار موضوعی معلوم (کمی و یا غیر کمی) حاصل می‌شود. در دومین دسته، ابتدا ستاک فعلی با گروه حرف اضافه (مفعول حرف اضافه) ترکیب می‌شود. سپس، ستاک مرکب فعلی حاصل به فراکن رویداد می‌رود تا دارای مقوله فعلی شود. در نهایت، فعل مرکب به جایگاه متمم عمل‌گر مقوله‌ای حرکت می‌کند، با آن ادغام می‌شود و اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی معلوم مشتق می‌شود. گفتنی است ساختار این اشتقاق لازم و کمی است. همچنین در این ساختار، گروه حرف اضافه می‌تواند دارای هسته آشکار و یا غیرآشکار باشد. گروه دوم، اسم‌های مرکب فعلی با ساختار موضوعی دارای ساختار مجهول کمی و یا غیر کمی است. این اسم‌های مرکب فعلی ساختار موضوعی از فرایند اسم‌سازی فعل‌های دو مفعولی به دست می‌آیند.

در ساختار مجهول کمی، ابتدا مفعول حرف‌اضافه‌ای^۱ با ستاک فعلی ترکیب و ستاک مرکب فعلی ایجاد می‌شود. در مرحله بعد، ستاک مرکب فعلی ابتدا به گره نمود کمی (معلوم) حرکت می‌کند تا دارای ویژگی کمیت شود. سپس، در جایگاه هسته معلوم قرار می‌گیرد. در مرحله بعد، فعل مرکب به جایگاه هسته صیغه مجهول و جایگاه هسته رویداد (مجهول) حرکت می‌کند. در نهایت، فعل مرکب در جایگاه متمم عمل‌گر مقوله‌ای قرار می‌گیرد، با آن ادغام می‌شود و اسم مرکب فعلی ساختار موضوعی مجهول کمی ایجاد می‌شود.

در فرایند اشتقاق اسم‌های مرکب فعلی با ساختار موضوعی مجهول غیرکمی ابتدا مفعول حرف اضافه که تحت تسلط گروه حرف‌اضافه است با ستاک فعلی ترکیب و ستاک مرکب فعلی تشکیل می‌شود. سپس، این ستاک مرکب فعلی به گره نمودی (غیرکمی) حرکت می‌کند. در مرحله بعد ستاک مرکب فعلی در جایگاه هسته رویدادی معلوم قرار می‌گیرد. پس فعل مرکب حاصل ابتدا به جایگاه صیغه مجهول و هسته رویدادی مجهول (فعل) منتقل می‌شود. در پایان، فعل مرکب در جایگاه متمم عمل‌گر مقوله‌ای قرار می‌گیرد با آن ادغام و اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی مجهول غیر کمی ایجاد می‌شود.

پسوندهایی که در اسم‌های مرکب فعلی ساختار موضوعی به کار برده می‌شوند، طبقه بسته‌ای را تشکیل می‌دهند و عبارتند از «-ن» /-æn/ مانند «غذا خوردن»، «-ی» /-i/ مانند «بسترسازی». در ادامه این زیربخش، ابتدا اسم‌های مرکب فعلی ساختار موضوعی معلوم مورد بررسی قرار می‌گیرند. سپس ساختار اسم مرکب فعلی ساختار موضوعی مجهول تحلیل می‌شوند.

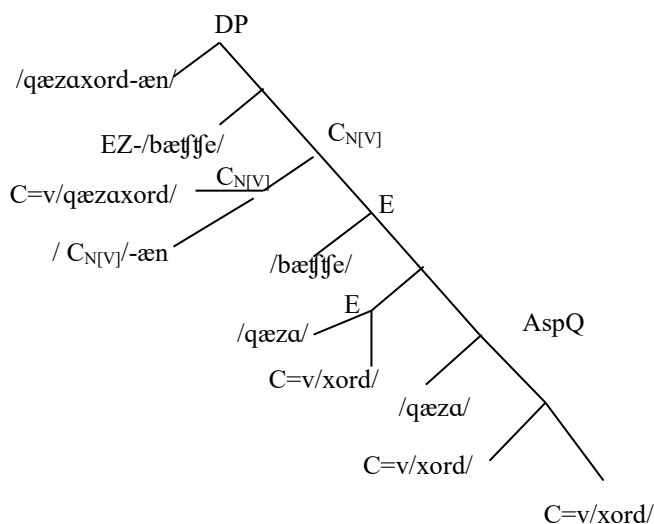
^۱ در زبان فارسی مفعول غیرمستقیم به وسیله حرف اضافه «به» مشخص می‌شود البته این حرف اضافه هم می‌تواند به صورت آشکار باشد و هم به صورت غیرآشکار.

۴-۲-۳-۱. اسم‌های مرکب فعلی با ساختار موضوعی معلوم

زبان فارسی دارای دو گونه اسم مرکب فعلی ساختار موضوعی معلوم است. در گونه نخست، عمل‌گر مقوله‌ای با ستاک مرکب فعلی که در جایگاه متمم عمل‌گر مقوله‌ای $C_N[V]$ قرار گرفته است، ادغام می‌شود. در این ساختار، جزء غیرهسته (مفعول مستقیم صریح) و ستاک فعلی به صورت همزمان به جایگاه هسته فرافکن رویداد منتقل و در این جایگاه ترکیب و دارای مقوله فعلی می‌شوند. در گونه دوم، ابتدا ستاک فعلی با گروه حرف اضافه ترکیب می‌شود سپس، ستاک مرکب فعلی به فرافکن رویداد می‌رود و در نهایت، به جایگاه متمم عمل‌گر مقوله‌ای $C_N[V]$ حرکت می‌کند و با عمل‌گر مقوله‌ای ادغام می‌شود. در این ساختار، گروه حرف اضافه می‌تواند دارای هسته آشکار یا غیر آشکار باشد. مثال (۲۱) نشان‌دهنده ساختارهای اسم مرکب فعلی ساختار موضوعی معلوم کمی در زبان فارسی است.

(۲۱) الف. بچه غذا خورد ← غذا خوردن بچه

ب. مریم درس خواند ← درس خواندن مریم

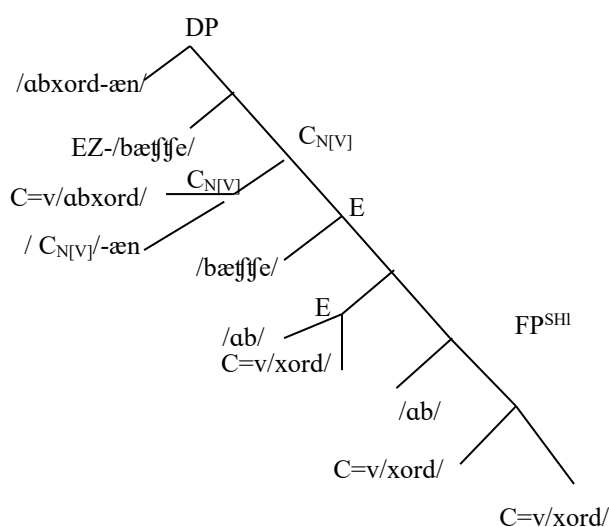


نمودار (۷) بازنمایی ساختار اسم مرکب فعلی ساختار موضوعی «غذا خوردن» مثال (الف ۲۱)

نمودار (۷) نشان‌دهنده اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی معلوم کمی «غذا خوردن» مثال (الف ۲۱) است، در این ساختار جزء غیرهسته «غذا» و ستاک گذشته «خورد» به صورت همزمان به جایگاه هسته فرافکن رویداد منتقل می‌شوند. در این جایگاه ترکیب و دارای مقوله فعلی می‌شوند. سپس، فعل مرکب «غذا خورد» به جایگاه

متمم عمل گر مقوله‌ای «-ن» /-æn/ منتقل و با آن ادغام می‌شود. پس از تشکیل اسم مرکب فعلی ساختار موضوعی «غذاخوردن»، این اسم، ابتدا برای به دست آوردن نقش معنایی ملکی به فرافکن گروه اسمی حرکت می‌کند، پس از آن، در جایگاه مشخص گر گروه حرف تعریف قرار می‌گیرد تا مشخصه «+معرفه» را به دست آورد. همچنین، در این ساختار نشانه اضافه پس از اسم مرکب فعلی «غذاخوردن» قرار دارد. همچنین، موضوع بیرونی /bæʃʃe/ «بچه» برای کسب حالت اضافه به جایگاه فرافکن اسمی (EXSN) حرکت می‌کند. مثال (۲۲) نشان‌دهنده ساختارهای اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی معلوم غیرکمی در زبان فارسی است.

(۲۲) الف. بچه آب را خورد ← آب خوردن بچه

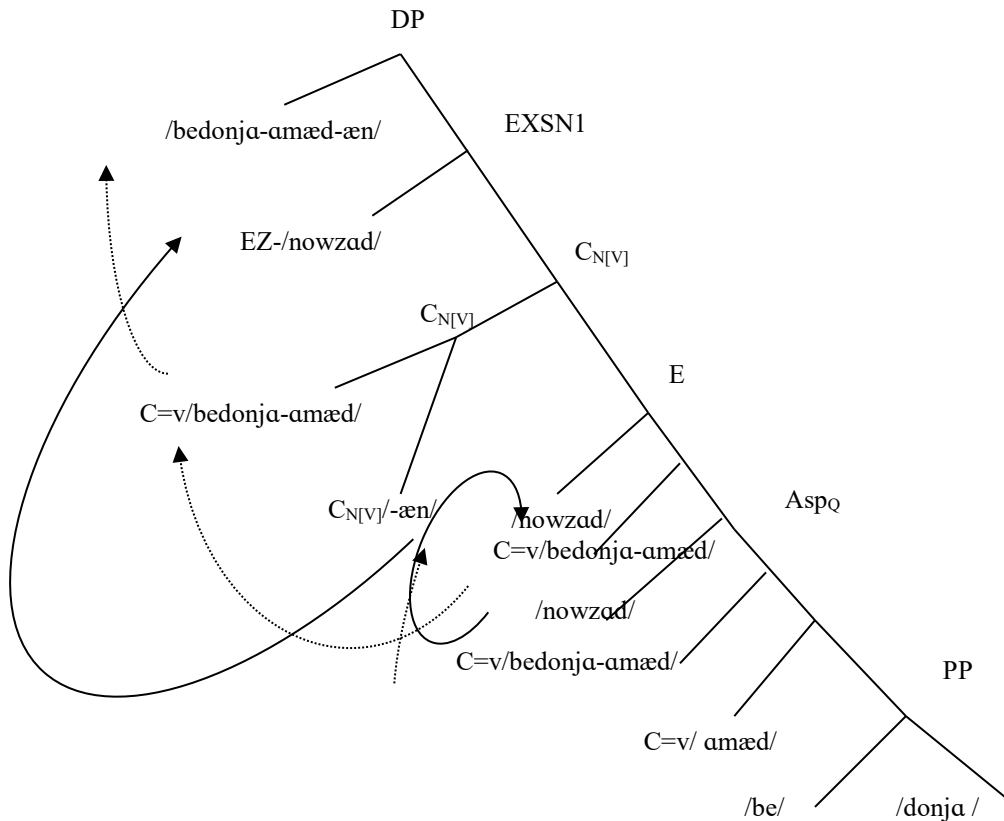


نمودار (۸) بازنمایی ساختار اسم مرکب فعلی ساختار موضوعی «آب خوردن» مثال (۲۲)

نمودار (۸) نشان‌دهنده اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی معلوم غیر کمی «آب خوردن» مثال (۲۲) است، در این ساختار جزء غیر هسته «آب» که اسمی غیر کمی است، همراه با ستاک گذشته «خورد» به صورت همزمان به جایگاه هسته فرافکن رویداد منتقل می‌شوند، در این جایگاه ترکیب و دارای مقوله فعلی می‌شوند. سپس، فعل مرکب «آب خورد» به جایگاه متمم عمل گر مقوله‌ای «-ن» /-æn/ منتقل و با آن ادغام می‌شود. پس از تشکیل اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی «آب خوردن»، این اسم، ابتدا برای به دست آوردن نقش معنایی ملکی به فرافکن گروه اسمی حرکت می‌کند و سپس، در جایگاه مشخص گر گروه حرف تعریف قرار می‌گیرد تا مشخصه «+معرفه» را به دست آورد. همچنین، در این ساختار نشانه اضافه پس از اسم مرکب فعلی «آب خوردن» قرار دارد.

همچنین، موضوع بیرونی /bæʃʃe/ «بچه» برای کسب حالت اضافه به جایگاه فراقکن اسمی (EXSN) حرکت می‌کند.

(۲۳) نوزاد به دنیا آمد ← به دنیا آمدن نوزاد



نمودار (۹) بازنمایی ساختار نحوی اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی «به دنیا آمدن» مثال (۲۳)

نمودار (۹) نشانگر ساختار اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی «به دنیا آمدن» در مثال (۲۳) است، در این ساختار، ابتدا ستاک گذشته «آمد» با گروه حرف اضافه «به دنیا» ترکیب می‌شود. سپس ستاک مرکب فعلی «به دنیا آمد» به فراقکن رویداد می‌رود تا دارای مقوله فعلی شود. در نهایت، این ستاک مرکب فعلی به جایگاه متمم عمل‌گر مقوله‌ای «ن» حرکت می‌کند و با آن ادغام می‌شود. در این ساختار، گروه حرف اضافه دارای هسته آشکار «به» است. همچنین، از آنجا که ساختار این اشتقاق لازم معلوم و کمی است، گروه حرف تعریف «نوزاد» نخست، ابتدا در جایگاه مشخص‌گر نمود کمی قرار می‌گیرد و دارای نقش فاعل کمی می‌شود. سپس، برای به

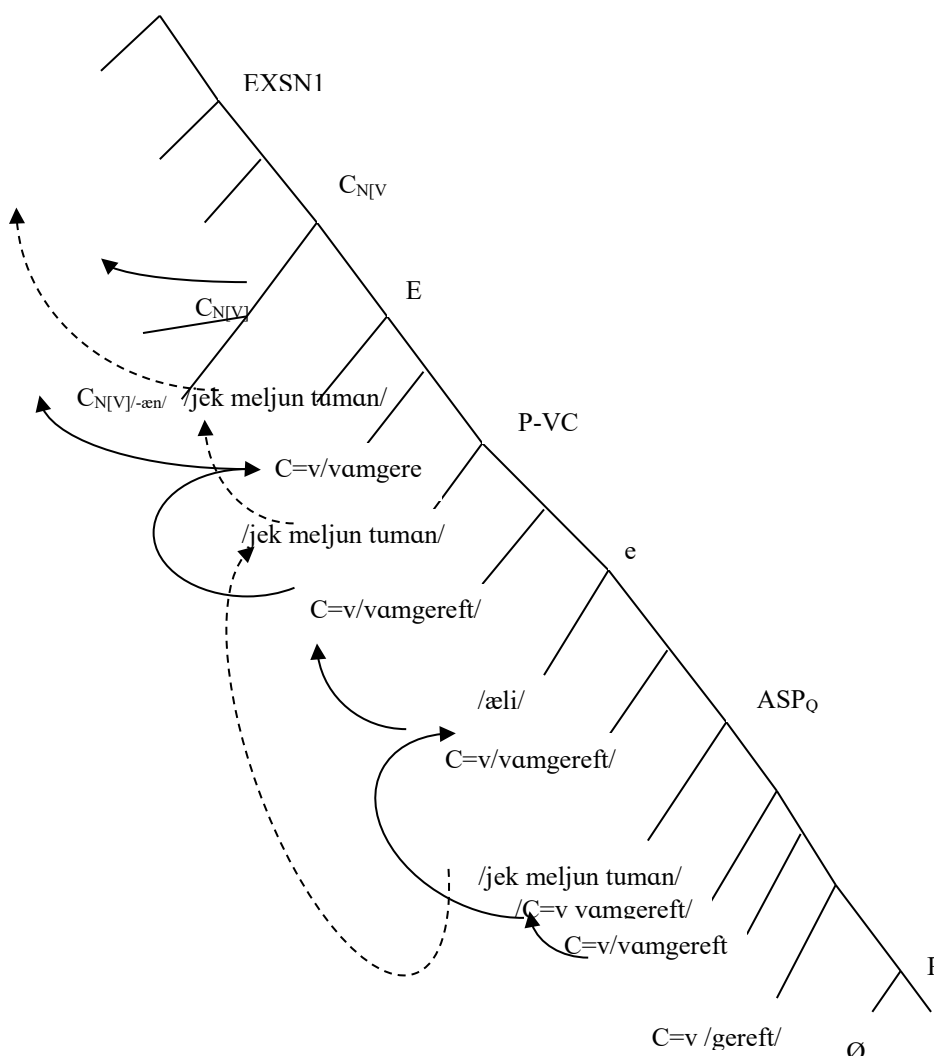
دست آوردن ویژگی «+معرفه» به جایگاه مشخص گر هسته رویدادی معلوم و در نهایت، برای کسب حالت اضافه به جایگاه فراقکن اسمی حرکت می‌کند.

۲-۳-۲-۴. اسم‌های مرکب فعلی با ساختار موضوعی مجهول

اسم‌های مرکب فعلی ساختار موضوعی مجهول دارای دو گونه کمی و غیر کمی با ساختارهای متفاوت هستند. نمونه‌های (۲۴) و (۲۵) به ترتیب نشان‌دهنده ساختار، اسم‌های مرکب فعلی با ساختار موضوعی مجهول کمی و غیر کمی در زبان فارسی هستند.

(۲۴) الف. علی یک میلیون تومان وام گرفت

ب. وام گرفتن یک میلیون تومان توسط علی

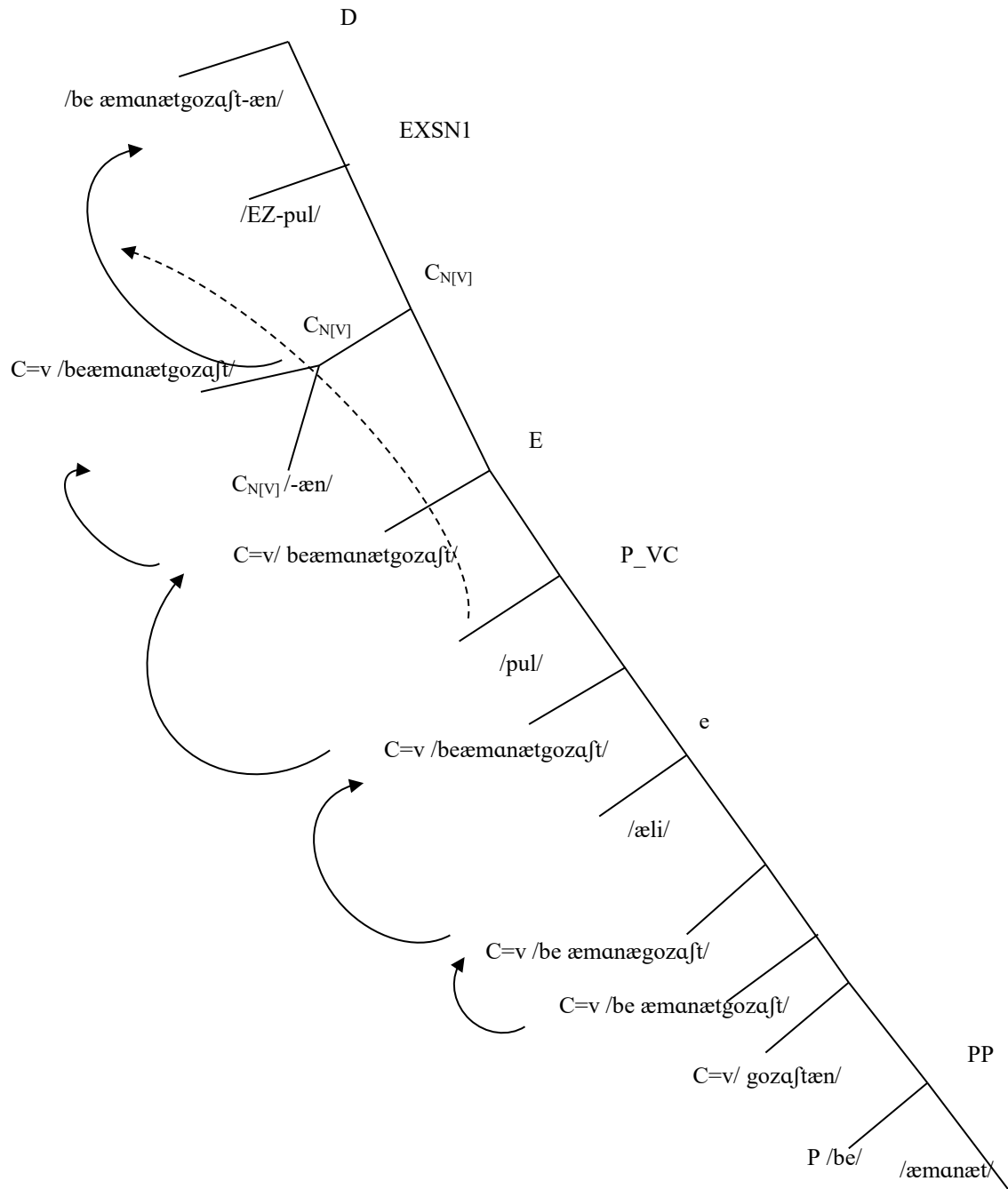


(۲۴ب) نمودار (۱۰) بازنمایی ساختار نحوی اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی مجهول کمی «وام گرفتن» مثال

نمودار (۱۰) نشانگر ساختار اسم مرکب فعلی ساختار موضوعی مجهول کمی «وام‌گرفتن» است. این ساختار دارای فعل مرکبی است که همتای غیرمرکب آن دو مفعول (مفعول صریح و مفعول غیرصریح) دارد. در اشتقاق اسم ساختار موضوعی کمی «وام‌گرفتن» ابتدا ستاک گذشته فعلی «گرفت» با گروه حرف اضافه ترکیب می‌شود. در این ساختار گروه حرف اضافه دارای هسته غیر آشکار (Ø) است و ستاک مرکب «وام‌گرفت» تشکیل می‌شود. در این نمودار، ستاک مرکب فعلی «وام‌گرفت» تحت فرافکن صیغه مجهول و البته فرافکن رویداد قرار دارد و برای اسم‌شدن ابتدا به گره نمودی (معلوم) حرکت می‌کند. سپس، در جایگاه هسته معلوم قرار می‌گیرد. در مرحله بعد، فعل مرکب «وام‌گرفت» به جایگاه هسته صیغه مجهول و به جایگاه هسته رویداد (مجهول) حرکت می‌کند. در نهایت، فعل مرکب «وام‌گرفت» در جایگاه متمم عمل گر مقوله‌ای «ن» قرار می‌گیرد و با آن ادغام می‌شود و اسم مرکب فعلی ساختار موضوعی مجهول «وام‌گرفتن» ایجاد می‌شود. در ادامه، اسم مرکب فعلی ساختار موضوعی مجهول «وام‌گرفتن» برای به دست آوردن ویژگی «+معرفه» به جایگاه مشخص گر گروه حرف تعریف حرکت می‌کند. در این ساختار گروه حرف تعریف «علی» در جایگاه مشخص گر هسته رویدادی معلوم قرار می‌گیرد و دارای نقش آغازگر می‌شود. گروه حرف تعریف «یک میلیون تومان» نیز ابتدا در جایگاه مشخص گر نمودی معلوم جای می‌گیرد و دارای نقش فاعل کمی می‌شود. سپس، به جایگاه مشخص گر صیغه مجهول حرکت می‌کند و برای کسب حالت اضافه به حوزه اسمی می‌رود. نکته مهم در مورد گروه حرف تعریف «یک میلیون تومان» این است که نقش فاعل کمی به صورت مشترک توسط ستاک فعل و گروه حرف اضافه به آن عطا می‌شود و نه ستاک فعلی تنها.

(۲۵) الف. علی پول را به امانت گذاشت داد

ب. به امانت گذاشتن پول توسط علی



نمودار (۱۱) بازنمایی ساختار نحوی اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی مجهول کمی «به امانت گذاشتن»

مثال (۲۵ب)

نمودار (۱۱) نشانگر ساختار اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی مجهول غیر کمی «به‌امانت گذاشتن» است. در ساختار این اسم ابتدا مفعول حرف اضافه «امانت» که تحت تسلط گروه حرف اضافه است با ستاک گذشته فعلی «گذاشت» ترکیب می‌شود. سپس، ستاک مرکب فعلی «به‌امانت گذاشت» به گره رویداد معلوم منتقل می‌شود. در مرحله بعد فعل مرکب حاصل ابتدا به گره صیغه مجهول و سپس ستاک هسته رویدادی مجهول حرکت می‌کند. پس از این مرحله، فعل «به‌امانت گذاشت» در جایگاه متمم عمل گر مقوله‌ای «ن» قرار می‌گیرد و با آن ادغام می‌شود و اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی مجهول «به‌امانت گذاشتن» ایجاد می‌شود. پس از تشکیل اسم مرکب فعلی «به‌امانت گذاشتن»، این اسم مرکب فعلی، ابتدا برای به دست آوردن نقش ملکی به فرافکن گروه اسمی حرکت می‌کند و سپس در جایگاه مشخص گر گروه حرف تعریف قرار می‌گیرد تا مشخصه «+معرفه» را به دست آورد. با توجه به مجهول و غیر کمی بودن این ساختار گروه حرف تعریف «پول» به صورت مستقیم در جایگاه مشخص گر صیغه مجهول قرار می‌گیرد و به عنوان مشارک پیش فرض رویداد شناخته می‌شود. از آن جا که صیغه مجهول برای مطابقت در دسترس است می‌توان اشتقاق را از طریق تطابق «پول» با اضافه کامل کرد. همچنین، در این ساختار گروه حرف تعریف «علی» در جایگاه مشخص گر رویداد معلوم قرار دارد و دارای نقش آغازگر است و به دلیل مجهول بودن ساختار، در جایگاه خود باقی می‌ماند.

۳-۴. بحث

با بررسی ساختار اسم‌های مرکب فعلی در زبان فارسی می‌توان به این نتیجه رسید که اگرچه ساختار نحوی اسم‌های مرکب فعلی مطرح شده در انگاره برون‌اسکلتی بورر (۲۰۱۳) در اسم‌های مرکب فعلی زبان فارسی تنها با ساختار اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای زبان فارسی همسو است، اما می‌توان بر اساس اصول کلی انگاره برون‌اسکلتی ساختار تمامی اسم‌های مرکب فعلی این زبان را تبیین کرد. بورر (۲۰۱۳: ۶۱۸-۶۱۶) ساختار اسم‌های مرکب فعلی را از نوع نتیجه‌ای و فاقد ساختار موضوعی می‌داند. همچنین، الگوی ساختار اسم‌های مرکب فعلی را به صورت الگوی (۲۶) معرفی می‌کند.

$$(۲۶) [N-V]_V C_N[V]_N$$

در الگوی (۲۶) ابتدا اسم و فعل با هم ادغام می‌شوند و ستاک مرکب فعلی ایجاد می‌شود. سپس، ستاک مرکب فعلی به سمت چپ عملگر مقوله حرکت می‌کند و با آن ترکیب می‌شود و به اسم مرکب فعلی تشکیل می‌شود. بنابراین، تمامی اسم‌های مرکب فعلی از نوع هسته‌پایانی هستند. پسوندهای اشتقاقی که در زبان فارسی در ساختار اسم‌های مرکب فعلی به کار می‌روند، عبارتند از «ن» /-æn/ مانند «غذاخوردن»، «ان» /-an/ مانند «سمنویزان»، «تده» /-ænde/ مانند «پدیدآورنده»، «ش» /-eʃ/ مانند «آبریزش»، «ک» /-æk/ مانند «بادکنک»، «ه» /-e/ مانند «آتش‌زنه»، «ی» /-i/ مانند «گروگان‌گیری».

بر اساس داده‌های پژوهش حاضر، مدل برون‌اسکلتی بورر (۲۰۱۳) با ساختار اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌پایانی همچون «آش‌زنه و خدادادی» در زبان فارسی انطباق کامل دارد. اما زبان فارسی، علاوه بر اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌پایانی، دارای ۲ نوع اسم مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌آغازی (مانند راننده‌تاکسی، رشته‌آش) و اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی هسته‌پایانی (مانند غذاخوردن، بسترسازی) نیز است. در همین راستا، دبیرمقدم (۱۳۷۶: ۳۵) نیز معتقد است که زبان فارسی دارای نوعی فرایند اسم‌ساز است که طی آن فعل زمان‌دار جمله در هر زمانی که باشد، به مصدر تبدیل می‌شود و هسته ساخت اضافه واقع می‌شود. در صورتی که فعل مورد نظر متعدی باشد، مفعول صریح آن در جایگاه وابسته هسته قرار می‌گیرد (۲۷ب) و اگر فعل لازم باشد، فاعل آن به عنوان وابسته نمایان می‌شود (۲۸ب).

(۲۷) الف. شکارچی آهو را کشت. ب. کشتن آهو توسط شکارچی

(۲۸) الف. علی رفت. ب. رفتن علی (دبیرمقدم، ۱۳۷۶: ۳۵)

همچنین، او (۱۳۷۶) فعل‌های مرکب انضمامی را از نوع لازم معرفی می‌کند و بر این باور است که در فرایند مصدرسازی فاعل (موضوع بیرونی) در این ساختار به صورت وابسته متجلی می‌شود. نمونه (۲۹) توسط دبیرمقدم (۱۳۷۶) در تائید همین اظهار نظر او ارائه شده است.

(۲۹) الف. بچه‌ها غذا خوردند ب. غذاخوردن بچه‌ها (دبیرمقدم، ۱۳۷۶: ۳۵)

همچنین ارکان (۱۳۸۵) در تحلیل فرایند انضمام اسم بر این باور است که زبان فارسی دارای دو نوع فعل (مرکب) انضمامی است: فعل‌های انضمامی که صرفاً لازم هستند و فعل‌های انضمامی که هم می‌توانند لازم باشند و هم متعدی. در گروه نخست، به دلیل این که محدودیت‌های زیرمقوله‌ای فعل متعدی قبل از انضمام در درون عبارت انضمامی ارضا شده است و قبل از سازه فعلی، یک موضوع درونی وجود دارد، کل فعل انضمامی مانند یک فعل لازم در جمله عمل می‌کند. اما در گروه دوم فعل‌های انضمامی هم می‌توانند به صورت لازم عمل کنند و هم می‌توانند مفعول دوم بگیرند. در گروه اخیر فعل همچون فعل انضمامی متعدی عمل می‌کند و برون‌داد انضمام فعل لازم نیست. بنابراین، فرایند انضمام اسم می‌تواند فعل متعدی نیز بسازد که به مفعول دیگری نیاز داشته تا ساختار موضوعی آن ارضا شود. مثال‌های (۳۰) و (۳۱) نشان‌دهنده این دو گروه فعل انضمامی هستند.

(۳۰) مریم نماز خواند

(۳۱) الف. او وام گرفت

ب. او یک میلیون تومان وام گرفت (ارکان، ۱۳۸۵: ۱۰۶)

به نظر نگارندگان، برخلاف نظر دبیرمقدم (۱۳۷۶) و همسو با نظر ارکان (۱۳۸۵) ساختار فعل‌های مرکب انضمامی دارای ۲ گونه لازم و متعدی است. اما تحلیل نگارندگان، از این فعل‌ها با تحلیل ارکان (۱۳۸۵) متفاوت است. برخلاف ارکان (۱۳۸۵) که تحلیلی ساخت‌واژی ارائه کرده است، در این پژوهش تحلیلی برون‌اسکلتی از

این فعل‌ها ارائه شده است. در واقع، از دیدگاه نگارندگان، ساختار فعل مرکب در ۲ گونه معرفی شده توسط ارکان (۱۳۸۵) از نظر نحوی باهم متفاوت است. در حقیقت، آن دسته از فعل‌های مرکبی که به صورت لازم عمل می‌کنند، از انضمام مفعول صریح با فعل تشکیل شده‌اند. در حالی که دسته دوم که فعل انضمامی متعدی هستند، از انضمام مفعول غیر صریح با فعل تشکیل شده‌اند. بنابراین، بر اساس فرایند مصدرسازی دبیرمقدم (۱۳۷۶) صورت مصدری (اسمی) فعل مرکب «وام گرفتن» در مثال (۳۲ الف و ب) که برگرفته از فعل انضمامی متعدی «وام گرفت» مثال (۳۱) (ارکان، ۱۳۸۵: ۱۰۶) می‌باشد. به صورت (۳۲ الف) و (۳۲ ب) ظاهر شود.

(۳۲) الف. وام گرفتن او

ب. وام گرفتن یک میلیون تومان توسط او

بر همین اساس، علی‌رغم نبودن ساختار اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی در تحلیل بورر (۲۰۱۳)، نگارندگان بر اساس داده‌های زبان فارسی تقسیم‌بندی‌های جدیدی از اسم‌های مرکب فعلی را در زبان فارسی به انگاره بورر (۲۰۱۳) اضافه کرده‌اند. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که در زبان فارسی اسم‌های مرکب فعلی با ساختار موضوعی دارای ۲ ساختار متفاوت هستند: اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی معلوم و اسم مرکب فعلی با ساختار موضوعی مجهول. افزون بر این، همان‌طور که پیش از این مطرح شد، زبان فارسی علاوه بر اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌پایانی مطرح شده توسط بورر (۲۰۱۳) دارای اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌آغازی نیز است.

همچنین، ویلیامز^۱ (۱۹۸۱) در اصل راست‌هسته‌ای، جایگاه هسته در واژه‌های مرکب را عنصر سمت راست آن‌ها معرفی می‌کند و معتقد است که این اصل برای تمام زبان‌ها ثابت است. با وجود این، داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اسم‌های مرکب فعلی در زبان فارسی اصل راست‌هستگی^۲ را در مواردی نقض می‌کند و جایگاه هسته در برخی اسم‌های مرکب فعلی (رشته‌آش، راننده تاکسی و...) عنصر سمت چپ آن‌ها است. این موضوع با ۲ اصل زیر قابل اثبات است: اول این که همان‌طور که پیش از این مطرح شد، زبان فارسی حتی در ساختار نحوی نیز به صورت کامل هسته‌پایانی نیست و دارای ساختارهای هسته‌آغازی نیز می‌باشد. برای نمونه، گروه حرف تعریف و گروه حرف اضافه در زبان فارسی هسته‌آغازی هستند (کریمی، ۲۰۰۵: ۶۳). این موضوع قابل تعمیم به حوزه ساخت‌واژه نیز هست. همچنین، هیدر^۳ (۲۰۱۵) معتقد است به دلیل عدم وجود ساختار پوسته‌ای در ساخت‌واژه، واژه‌های مرکب هم می‌توانند هسته‌آغازی و هم هسته‌پایانی باشند.

¹ E. Williams

^۲ شایان ذکر است که در این پژوهش داده‌های زبان فارسی بر اساس الفبای بین‌المللی آواشناسی (IPA) که از چپ به راست نگاشته می‌شوند، تحلیل شده است. بر همین اساس وند اشتقاقی در سمت راست کلمه مشتق قرار دارد.

³ H. Heider

بر اساس آنچه گفته شد، همسو با کریمی (۲۰۰۵) که معتقد است جمله‌های زبان فارسی تک‌بعدی و هسته‌پایانی نیستند و هم‌جهت با نظر هیدر (۲۰۱۵) مبنی بر این که واژه‌های مرکب هم می‌توانند هسته‌آغازی باشند و هم هسته‌پایانی، می‌توان گفت اسم‌های مرکب فارسی هم هسته‌آغازی و هم هسته‌پایانی هستند. اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌آغازی در زبان فارسی نیز هم‌چون همتای هسته‌پایانی خود به یک موقعیت، کیفیت، نتیجه‌ی رویداد، رویدادی ساده و یا تنها به یک شیء اشاره کنند. این اسم‌ها پیش از نحو شکل می‌گیرند، در ساختار نحوی به صورت اسم ظاهر می‌شوند و فاقد ساختار موضوعی هستند. هسته‌ی نحوی در این نوع از اسم‌های مرکب فعلی، سازه‌ی آغازی است. پسوندهای اشتقاقی که در ساختار اسم مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌پایانی به کار می‌روند، عبارتند از «-نده» /-ænde/، مانند «راننده‌تاکسی»، «-ه» /-e/، مانند «رشته‌آش»، «-ی» /-i/ مانند «گرفتگی بینی» (طباطبایی، ۱۳۹۲). اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌آغازی مانند «راننده‌تاکسی» در زبان فارسی دارای ساختار $[N_{dev}-N]$ هستند. در این دسته از اسم‌های مرکب فعلی زبان فارسی، ابتدا ستاک فعلی برای مثال «ران» با عمل‌گر مقوله‌ای «-نده» ادغام شده و به اسم فعل «راننده» تبدیل می‌شود. سپس، جزء غیر فعلی «تاکسی» با اسم فعل «راننده» ترکیب می‌شود و اسم مرکب فعلی راننده تاکسی ساخته می‌شود.

همچنین، همان‌طور که در پیشینه پژوهش مطرح شد، بیش‌تر پژوهش‌هایی که زمینه‌ی اسم‌های مرکب فعلی انجام گرفته‌اند دارای چارچوب نظری و عمق زیادی نیستند (دبیرمقدم، ۱۳۷۶، صادقی، ۱۳۸۳) در میان آثاری که بر پایه‌ی چارچوب زبان‌شناسی است. می‌توان به ارکان (۱۳۹۰) اشاره کرد، که در چارچوب نظریه‌ی صرف مبتنی بر واژه‌ی قاموسی آرونف (۱۹۹۴) به تحلیل واژه‌های مرکب فعلی زبان فارسی پرداخته است. در تحلیل او انگاره‌ی ساخت واژه‌های مرکب فعلی به صورت زیر است: [ستاک غیر فعلی + ستاک فعل] ← [ستاک فعلی مرکب مقید] ← [ستاک فعلی مرکب مقید+وند] ← واژه مرکب فعلی (ارکان، ۱۳۹۰ : ۱۸). اما همان‌طور که در تحلیل اسم‌های مرکب فعلی در بخش چهارم این پژوهش آمده است، نگارندگان بر این باورند که فرضیه وجود تنها یک ساختار $[N-V]_N$ برای اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای توجیه نظری ندارد. بلکه فرض وجود دو ساختار متفاوت $[N-V]_N$ و $[N_{dev}-N]$ برای اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای، تحلیل بهتری را برای اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای حداقل در زبان فارسی ارائه می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله نخست به تحلیل نحوی-ساخت‌واژی از اسم‌های مرکب فعلی زبان فارسی بر اساس مدل برون‌اسکلتی بورر (۲۰۱۳) پرداخته شد. بر اساس داده‌های پژوهش حاضر، مدل برون‌اسکلتی بورر (۲۰۱۳) با ساختار اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌پایانی در زبان فارسی انطباق کامل دارد. اما زبان فارسی، علاوه بر اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌پایانی، دارای ۲ نوع اسم مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌آغازی و اسم مرکب

فعلی ساختار موضوعی هسته پایانی نیز است. بر همین اساس، نگارندگان بر اساس داده‌های زبان فارسی تقسیم‌بندی‌های جدیدی از اسم‌های مرکب فعلی را در زبان فارسی بر اساس قوانین مدل برون‌اسکلتی ارائه کردند. در این تقسیم‌بندی اسم‌های مرکب فعلی نتیجه‌ای هسته‌آغازی در زبان فارسی دارای مدل $[N_{dev}-N]$ هستند. بنابراین، زبان فارسی ۲ ساختار متفاوت $[N-V]v$ $C_n[v]_n$ و $[N_{dev}-N]$ برای اسم‌های مرکب فعلی دارد. همچنین، در مورد اسم‌های مرکب فعلی ساختار موضوع، داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که در زبان فارسی اسم‌های مرکب فعلی ساختار موضوعی دارای ۲ ساختار متفاوت هستند. در گروه نخست، اسم‌های مرکب فعلی ساختار موضوعی معلوم دارای ۲ ساختار ناهمسان هستند. در دسته اول، ابتدا جزء غیرفعلی (مفعول مستقیم) با ستاک فعلی که تحت فرافکن نمود (غیر کمی یا کمی) و فرافکن گسترده رویداد قرار دارد، در جایگاه هسته رویداد ادغام و دارای مقوله می‌شود. سپس، فعل مرکب حاصل به جایگاه متمم عمل گر مقوله‌ای $CN[v]$ حرکت می‌کند، با آن ادغام می‌گردد و اسم ساختار موضوعی معلوم (کمی و یا غیر کمی) حاصل می‌شود. در دومین دسته، ابتدا ستاک فعلی با گروه حرف اضافه (مفعول حرف اضافه) ترکیب می‌شود. سپس، ستاک مرکب فعلی حاصل به فرافکن رویداد می‌رود تا دارای مقوله فعلی شود. در نهایت، فعل مرکب به جایگاه متمم عمل گر مقوله‌ای حرکت می‌کند، با آن ادغام و اسم ساختار موضوعی معلوم مشتق می‌شود.

گفتنی است که ساختار این اشتقاق لازم و کمی است همچنین در این ساختار، گروه حرف اضافه می‌تواند دارای هسته آشکار و یا غیر آشکار باشد. در این ساختار، گروه حرف اضافه می‌تواند دارای هسته آشکار و یا غیر آشکار باشد. گروه دوم، اسم‌های مرکب فعلی ساختار موضوعی دارای ساختار مجهول کمی و یا غیر کمی است. این اسم‌های مرکب فعلی ساختار موضوعی، در واقع، از فرآیند اسم‌سازی افعال دو مفعولی به دست می‌آیند. در ساختار مجهول کمی، ابتدا مفعول حرف اضافه‌ای با ستاک فعلی ترکیب و ستاک مرکب فعلی ایجاد می‌شود. در مرحله بعد، ستاک مرکب فعلی ابتدا به گره نمود کمی (معلوم) حرکت می‌کند. تا دارای ویژگی کمیت شود. سپس در جایگاه هسته معلوم قرار می‌گیرد. در مرحله بعد فعل مرکب به جایگاه هسته وجه مجهول و جایگاه هسته رویداد (مجهول) حرکت می‌کند. در نهایت، فعل مرکب در جایگاه متمم عمل گر مقوله‌ای قرار می‌گیرد، با آن ادغام و اسم فعل ساختار موضوعی مجهول کمی ایجاد می‌شود.

در فرآیند اشتقاق اسم‌های مرکب فعلی ساختار موضوعی مجهول غیر کمی ابتدا مفعول حرف اضافه که تحت تسلط گروه حرف اضافه است، با ستاک فعلی ترکیب می‌شود. سپس به گره نمودی (غیر کمی) حرکت می‌کند. در مرحله بعد، ستاک مرکب فعلی در جایگاه هسته رویدادی معلوم قرار می‌گیرد. سپس فعل مرکب حاصل ابتدا به جایگاه وجه مجهول و هسته رویدادی مجهول (فعل) منتقل می‌شود. در پایان، فعل مرکب در جایگاه متمم عمل گر مقوله‌ای قرار می‌گیرد، با آن ادغام می‌شود و اسم فعل ساختار موضوعی مجهول غیر کمی ایجاد می‌شود.

منابع

- ارکان، فائزه (۱۳۸۵). فرایند انضمام اسم: رویکرد نحوی یا صرفی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۲، صص. ۹۵-۱۱۰.
- ارکان، فائزه (۱۳۹۰). بررسی تحلیل عناصر ساخت‌وازی کلمات مرکب فعلی بر مبنای نظریه صرف مبتنی بر واژه قاموسی. *پژوهش‌های زبانی*، ۲ (۱)، صص. ۱-۲۰.
- انوری، حسن. (۱۳۹۴). *فرهنگ سخن*. تهران: انتشارات سخن.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۶). فعل مرکب در زبان فارسی. *زبان‌شناسی*، ۱۲ (۱) و (۲)، صص. ۲-۴۶.
- درزی، علی و طاهره افشار (۱۳۹۲). بررسی فرآیند ارتقاء اسم ملکی در زبان فارسی. *جستارهای زبانی*، ۱۴، صص. ۷۵-۱۱۰.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۸۳). کلمات مرکب ساخته‌شده با ستاک فعلی. *دستور*، ۱، صص. ۵-۱۱.
- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۸۲). *اسم و صفت مرکب در زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۹۵). ترکیب در زبان فارسی بررسی ساختاری واژه‌های مرکب. تهران: کتاب بهار.
- غنچه‌پور، موسی (۱۳۹۲). *ترکیب فعلی در زبان فارسی*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- غنچه‌پور، موسی (۱۳۹۸). ساخت واژه مرکب در زبان فارسی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۳۰، صص. ۱۵۷-۱۹۰.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۰). *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- معظمی، آرزو (۱۳۸۵). *نحو گروه حرف تعریف*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه تهران.
- Ackema, P. & A. Neeleman (2004). *Beyond morphology*. Oxford: Oxford University Press.
- Aronoff, M. (1994). *Morphology by itself*. Cambridge, MA: MIT press.
- Baker, M. (1988). *Incorporation: a theory of Grammatical Function Changing*. Chicago: University of Chicago press
- Borer, H. (2005a). *In the name only*. Oxford: Oxford University Press.
- Borer, H. (2005b). *The normal course of events*. Oxford: Oxford University Press.
- Borer, H. (2013). *Taking form*. Oxford: Oxford University Press.
- Bresnan, J. W. (1982). *The mental representation of grammatical relations*. Cambridge, Massachusetts: MIT Press.
- Chomsky, N. (1970). Remarks on nominalization, In R. Jacobs and P. Rosenbaum (Eds.), *Readings in English transformational grammar*. pp. 184-221. Ginn, and Waltham, MA.
- Grimshaw, J. (1990). *Argument structure*. Cambridge: MA MIT Press.
- Harley, H. (2009). Compounding in distributed morphology, In R. Lieber, and P. Stekauer (Eds.), *The Oxford Handbook of Compounding*. pp. 125-129. Oxford: Oxford University.
- Heider, H. (2015). Directionality in syntax and morphology, In Antonio Fábregas, Jaume Mateu, like Putnam (Eds). *Contemporary linguistic parameters*. pp. 73-97. London: Bloomsbury Academic.
- Iordachioaia, G., A. Alexiadou & E. Soare (2015). The structural source of stative nominalizations from psych verbs. Labeau, E. & Zhang, Q. (Eds.) *Taming the TAME systems*. pp. 137-160. Leiden/Boston: Brill Rodopi (Cahiers Chronos 27).
- Jackendoff, R. S. (1976). Towards an explanatory semantic representation. *Linguistic Inquiry*, 7. 89-150.
- Karimi, S. (2005). *A minimalist approach to scrambling: Evidence from Persian*. Berlin: Mouton de Gruyter.

- Levin, B. & M. Rappaport (1992). Lexical semantics of verbs of motion: the perspective from unaccusativity. in I.M. Roca. (ed.) Thematic structures: its role in grammar, 247-269. Berlin: Foris.
- lieber, R. (1983). Argument linking and compounds in English. *Linguistic Inquiry*, Vol 14: 251-28
- Lieber, R. (2004). *Morphology and lexical semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lieber, R. (2010). *Introducing Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Roeper, T. and M. E. A. Siegel (1978). A lexical transformation for verbal compounds. *Linguistics Inquiry*. 9, 199- 260.
- Selkirk, E. (1982). *The syntax of words*. Cambridge: MIT Press.
- Spencer, A. (1991), *Morphological theory*. Blackwell Publishers LTD.
- Williams, E. (1981). On the notions lexically related and head of a word. *Linguistic Inquiry*. 12, 245-274.
- Vahedi Langrudi, M. M. (2005). Deverbal compound nominalization and argument structure: potential bound compound verbal stems in Persian Conference on Aspects of Iranian Linguistics. *Maxplank Institute for Evolutionary Anthropology*, Leipzig: Germany June 17-19.

پیوست

اختصارات

معادل فارسی	معادل انگلیسی	نشانه	معادل فارسی	معادل انگلیسی	نشانه
	ezafe(kasre ezafe)	EZ	ریشه	Root	√
فـرافـکن گـسـترده‌ای که مـتـمـم آن داری مقوله X است	Extended Projection that takes the category X	{Ex [X]}	نمود کمی	Telicity(quantity)	ASP _Q
فـرافـکن گـسـترده اسمی	Extended projection of Nominal	EXSN	عملگر مقوله‌ای	Categorial functions; CX[Y]	C-functors
			اسم فعل	Deverbal noun	N _{dev}
اسم	Noun	N	فـرافـکن گـسـترده ساختار رویدادی	an event structure ExP-segment	E
			وجه مجهول	Passive voice	P-vc